

حیات بازارهای رسمی حفظ شود

۰۳



سایر اخبار

۰۴ قیمت گذاری دستوری، بزرگترین ضربه را به تولیدکننده میزند

۰۶ اجرای وضع عوارض صادرات سنگ زمان بر است

۰۸ شناسایی ۱۴ مانع معادن کوچک و متوسط

۰۹ همکاری با شرکتهای کوچک و متوسط اروپایی، رشد بخش خصوصی کشور را به دنبال دارد

۳ اخبار انجمن

- ◀ حیات بازارهای رسمی حفظ شود
- ◀ قیمت گذاری دستوری، بزرگترین ضربه را به تولیدکننده میزند
- ◀ با عوارض بر صادرات سنگ آهن مخالفم
- ◀ الزامات عبور از «تحریم داخلی» معادن
- ◀ وضع عوارض کمکی به زنجیره فولاد نمی کند
- ◀ مذاکره با عمان برای حل مشکلات صادرات سنگ آهن

۵ اخبار صنعت و معدن

- ◀ اجرای وضع عوارض صادرات سنگ زمان بر است
- ◀ آمار سه ماهه صدور پروانه های بهره برداری صنعتی و معدنی
- ◀ اخذ بیش از ۴۸ هزار کیلومتر مربع پهنه اکتشافی
- ◀ مشکلات بر سر راه واردات برخی ماشینآلات معدنی

۱۰ گزارش های خبری

- ◀ شناسایی ۱۴ مانع معدن کوچک و متوسط
- ◀ چرا SME ها در ایران کوچک نگه داشته شده اند؟
- ◀ همکاری با شرکتهای کوچک و متوسط اروپایی، رشد بخش خصوصی کشور را به دنبال دارد

۱۳ اخبار بین الملل

- ◀ کاهش فروش کاترپیلار در بخش معدن
- ◀ تدابیر حفاظتی هند برای نجات صنعت فولاد
- ◀ همکاری عربستان و جنرال الکتریک در معدن آغاز می شود

۱۴ اخبار اقتصادی

- ◀ مخالفان بورس کالا از شفاف سازی آسیب می بینند
- ◀ آغاز پایش کارت های بازرگانی توسط اتاق تهران
- ◀ معدن کاران مناطق روستایی بیمه نامه اعتباری دریافت می کنند
- ◀ سردرگمی صادرات در فضای مبهم

۱۷ یادداشت

- ◀ تبیین اهداف مشخص

۱۹ مقالات مدیریتی

- ◀ باید به اربابان رایانه ای جدید خوشامد بگوییم

حیات بازارهای رسمی حفظ شود

بهترین اقدام در شرایط حاضر، استفاده از ابزارهای موجود، برای تنظیم بازار است. در این راستا، فعالیت های چند ساله بورس کالا نشان داده که بهترین بازار برای به تعادل رسیدن قیمت ها است.



کنون کشور از نظر اقتصادی در شرایط سختی قرار دارد و تحریم های بیشتری در حال اجرایی شدن هستند که به تدریج التهابات بازار را افزایش خواهد داد. بهترین اقدام در شرایط حاضر، استفاده از ابزارهای موجود، برای تنظیم بازار است. در این راستا، فعالیت های چند ساله بورس کالا نشان داده که بهترین بازار برای به تعادل رسیدن قیمت ها است. در این بورس، قیمت واقعی کشف می شود، زنجیره تولیدکننده تا مصرف کننده با هم مبادله کالایی دارند و هر دو سمت معامله نیز راضی هستند؛ چون از ارزش افزوده ای که روی محصول ورودی خود دارند، می توانند سود واحد تولیدی خود را به دست بیاورند. اکنون در شرایطی قرار داریم که تحریم، مانع صادرات سنگ آهن و مقاطع فولادی می شود و تولید نیز کاهش می یابد؛ یعنی بسیاری از کارخانجاتی که نمی توانند

قراردادهای مناسبی منعقد کنند، مجبور می شوند از عرصه فعالیت اقتصادی خارج شوند یا در دوران رکود، تولید خود را کاهش دهند. در این شرایط، احتمالاً دولت با تعیین سهمی هیندی تامین نیاز داخل بین کارخانجات بزرگ تا کوچک، بتواند تعادل را در بازار برقرار کند و جهت انجام این اقدام، می تواند از بورس کالا به عنوان روش شفا فسازی و کشف مناسب قیمتی استفاده بیشتری داشته باشد. به این ترتیب، ما قطعاً مخالف خروج محصولات خود از بورس کالا و بازگشت به نظام سهمی هیندی هستیم. علاوه بر این، ما برای تعادل بخشی به بازار کالایی، اعتقادی به کارایی روش های

کنترل دولتی قیمت یا قیم تگذاری دستوری نداریم و معتقدیم که اگر تنظیم بازار را تولید کنندگان داخلی به دست بگیرند، خودشان از لحاظ قیمت و میزان تولید به تعادل می رسند. این حالت از دخالت دستوری و کنترل بازار، با روشی اولی که توضیح داده شد، کاملاً متفاوت بوده و سیاست اشتباهی است. قطعاً بورس کالا در ابتدای راه بوده و اکنون در جهت اصلاح و تقویت قرار دارد؛ اگر وضعیت سیاسی، اقتصادی کشور دوباره به پایداری برسد، بورس کالا محل بسیار خوبی برای خرید و فروش و تامین محصولات مورد نیاز بخ شهای تولیدی است. بورس کالا باید از لحاظ ابزاری نیز تقویت شود؛ یعنی رو شهای دیگر را نیز در سیستم خود وارد کند. به عنوان مثال، تهاتر کالایی را وارد معاملات کالایی کند؛ چون بازار داخلی در حال تضعیف است و در شرایط تحریم، بازار خارجی نیز به طور کلی از دست م بیرون در شرایط بحرانی اقتصاد کشور، باید به دنبال روش های عقلانی باشیم و چه جایی را بهتر از بورس کالا می توان یافت که این عقلانیت و منطق در آن پیدا شود؟

سجاد غرقی / عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران
اختلال در فعالیت های بورس کالا، رقابت پذیری را کاهش می دهد
بخشی از راه حل آشفتهگی و التهاباتی که در حال حاضر، شاهد آن هستیم، وابسته به کارآمد شدن ساختار حاکمیت است؛ اما

مهمترین آنها، راه حل سیاسی در داخل کشور و سیاست خارجی است. مشکلات فعالان اقتصادی در بخش کلان سیاسی، ناشی از ناکارآمدی ساختار حاکمیت در اداره فضای کسب و کار است که به طور روزمره شاهد آن هستیم. اما فعالان حوزه صنایع و به ویژه معادن، سرمایه گذاری فیزیکی و غیر فیزیکی کلانی انجام داده اند و طبعاً، برای خروج از این وضعیت ناشی از بی ثباتی تلاش مضاعفی دارند. اگر انتقاد یا پیشنهادی به دولت داده می شود به برای حفظ سرمایه انسانی، تولیدی و ... در دوران رکود است. از این منظر، اگر بحث کلان اقتصاد سیاسی را که به شیوه مدیریت در داخل و سیاستهای خارجی مربوط می شود فاکتور بگیریم، در حکمرانی بخش زنجیره معدنی دچار اختلال شدیدی هستیم. در این بخش می بینیم که با وجود اعلام نظرهای متعدد، پیشنهادها از سوی حاکمیت شنیده نمی شود و اوضاع روز به روز پیچیده ترمی شود. به عنوان مثال، در حالی که دچار رکود در حوزه معدنی هستیم، طی یک ماهه گذشته در بخشنامه وزارتی، افزایش حقوق دولتی بین ۴۰ تا ۲۰۰ درصد در دستور کار قرار داده شده که هزینه های کسب و کار را بالا می برد و با شرایط موجود به هیچ وجه انطباقی نیست. از سوی دیگر، در حالی که بسیاری از معادن یا محصولات معدنی که واجد صادرات هستند، نیاز به تامین مالی از طریق صادرات دارند، می بینیم که معافیت مالیات متوقف و علاوه بر آن، عوارض صادراتی اعمال می شود. هوشمندترین تحریمهای داخلی را برای توقف فعالیت های معدنی در کشور داریم؛ بخش معدن به پیشنهادهای عمرانی یا توسعه ای نمی رسد، بلکه توقف رویه های رکودزا را دنبال می کند تا از تعطیلی بیشتر بنگاه ها جلوگیری شود.

اکنون مشکلی در خصوص فعالیت های معدنی در بورس کالا وجود ندارد و عمده فعالیت بخش معدنی در بورس کالا در رینگ صادراتی و جهت صادرات محصولات معدنی بوده که در حال انجام است. اکنون مشکلی در بخش معادن وجود ندارد که بورس کالا در آن نقشی داشته باشد.

ادامه مطلب در صفحه بعد

در ادامه سعید عسکرزاده دبیر کل انجمن سنگ آهن کشور در خصوص شایعه خروج معاملات سنگ آهن از بورس کالا گفت: با توجه به شرایط موجود کشور خروج معاملات محصولات سنگ آهنی از بورس کالا و قیمت‌گذاری دستوری نمی‌تواند تصمیم خوبی باشد.

وی ادامه داد: قیمت‌گذاری دستوری هیچ‌گاه نتیجه مثبت و درستی نداشته و بعید می‌دانم این موضوع اجرایی شود. قیمت‌گذاری دستوری بزرگترین ضربه را به تولید کنندگان می‌زند، تولید کنندگان مخصوصاً تولید کنندگان کوچک و متوسط از شیوه قیمت‌گذاری دستوری کالاها متضرر می‌شوند.

وی افزود: در صورت اجرایی شدن این موضوع تعطیلی و بیکاری بسیاری از تولید کنندگان را باید شاهد باشیم. البته لازم به ذکر است که اوضاع نابسامان اقتصادی منجر می‌شود تا تصمیمات زیادی گرفته شود که صرفاً مناسب و مفید نیستند. اما باید بدانیم که تصمیمات خلق‌الساعه این چنینی عواقب ناخوشایندی را در پیش دارد.

عسکرزاده عنوان کرد: نابسامانی در هر کدام از اعضای زنجیره فولاد، منجر به نابسامانی در تمام زنجیره می‌شود و مشکلاتی را ایجاد می‌کند، به‌عنوان مثال بستن عوارض به صادرات سنگ آهن از دیگر تصمیماتی است باید اصلاح شود چرا که این موضوع منجر به رانت در زنجیره می‌شود. لذا به نظر می‌رسد که رفع عوارض در صادرات سنگ آهن به چرخه تولید و همچنین توسعه تولید در کشور کمک کند.

دبیر کل انجمن سنگ آهن تاکید کرد: ما خواهان رفع این موضوع و اصلاح قانون جدید هستیم.

به گزارش فلزات آنلاین و به نقل از بورس ۲۴، بعد از وضع عوارض برای صادرات سنگ آهن شایعه‌ای مبنی بر خروج معاملات سنگ آهن از بورس کالا و قیمت‌گذاری دستوری بر آن منتشر شد، گویا دولت در نظر دارد تا با خروج معاملات سنگ آهن از بورس کالا و قیمت‌گذاری دستوری اقدام به اصلاح قیمت‌ها کند اما این موضوع به ضرر شرکت‌ها بوده و مسلماً حضور در بورس کالا بسیار علمی و موفق‌تر است.

مهرداد اکبری‌ان رئیس انجمن سنگ آهن در این خصوص گفت: متأسفانه صحبت‌هایی در خصوص خروج معاملات محصولات سنگ آهنی از بورس کالا نیز شنیده می‌شود تا از این طریق خرید و فروش دستوری و براساس نرخ مشخص باشد. این موضوع اصلاً مثبت نبوده و می‌تواند به ضرر صنایع باشد. صحبت‌ها و جلسات در این خصوص گذاشته شده است.

وی تاکید کرد: عوارض کنسانتره طی عملی درست کاهش یافت اما وضع عوارض بر سنگ آهن منجر خواهد شد تا شرکت‌ها نتوانند به خوبی تولید داشته باشند. ما معتقدیم که تمامی اجزای زنجیره فولاد نباید به لحاظ صادراتی محدودیتی داشته باشند چراکه ما ابتدا بازار داخل را تامین می‌کنیم و مازاد تولید را صادر می‌کنیم.



کشف قیمت تمام محصولات معدنی در رینگ داخلی و صادراتی بورس کالا می‌تواند مرجع مناسب قیمت‌گذاری باشد. بنابراین، هر گونه اختلال در فعالیت‌های بورس کالا و حذف مکانیزم این بازار، رقابت‌پذیری را کاهش می‌دهد و به قیمت‌گذاری دستوری منجر می‌شود که اقدام درستی نخواهد بود.

اخبار فلزات /

۹۷/۰۵/۰۸

مخالفت انجمن سنگ آهن با خروج معاملات این محصول از بورس کالا قیمت‌گذاری دستوری، بزرگترین ضربه را به تولیدکننده می‌زند

قیمت‌گذاری دستوری بزرگ‌ترین ضربه را به تولیدکننده می‌زند. قیمت‌گذاری دستوری هیچ‌گاه نتیجه مثبت و درستی نداشته و بعید می‌دانم این موضوع اجرایی شود. قیمت‌گذاری دستوری بزرگترین ضربه را به تولید کنندگان می‌زند. تولید کنندگان مخصوصاً تولید کنندگان کوچک و متوسط از شیوه قیمت‌گذاری دستوری کالاها متضرر می‌شوند.



نوریان در گفت‌وگو با ماین نیوز: با عوارض بر صادرات سنگ آهن مخالفم

مدیرعامل شرکت معدنی و صنعتی چادرملو گفت: با هر گونه اعمال عوارض بر صادرات سنگ آهن مخالفم.



محمود نوریان در گفت‌وگو با خبرنگار ماین نیوز در پاسخ به این سوال که نظر شما درباره سیاست وزارت صمت برای اعمال عوارض بر صادرات سنگ آهن چیست؟ گفت: هم‌اکنون سنگ آهن در حد واحدهای تولید کنسانتره سنگ آهن داخل وجود دارد و اگر معادن کوچکی در حال صادرات هستند به این دلیل است که کیفیت و عیار این نوع سنگ آهن مناسب کنسانتره‌سازی‌های داخلی نیست؛ بنابراین بهترین راه برای ادامه فعالیت این معادن کوچک اجازه صادرات به آنها است. پس اعمال هرگونه عوارض روی صادرات سنگ آهن مغایر سیاست حمایت از تولید داخلی است.

وی درباره سیاست صادراتی چادرملو گفت: سیاست چادرملو ایجاد ارزش افزوده در داخل کشور است. اینکه کنسانتره را صادر کنیم و از آن طرف سایر شرکت‌های فولادی کنسانتره موردنیاز خود را وارد کنند، اتفاق خوبی نیست.

نوریان با تأکید بر اینکه بهترین حالت صادرات، محصول نهایی است، افزود: البته من اعتقاد دارم مثلاً در حوزه سنگ حتی می‌توان به صورت کوپ نیز صادرات کرد و نباید خیلی اصرار کنیم که حتماً سنگ فراوری شده را صادر کنیم مگر اینکه بتوانیم بازار سنگ ساختمانی برای محصول نهایی را در جهان ایجاد کنیم.

وی گفت: بازار صادرات یک شبه ایجاد نمی‌شود که هر وقت اراده کنیم بتوانیم صادرات داشته باشیم. بلکه حفظ مشتریان فعلی تضمین تداوم صادرات در آینده است. اگر حتی در شرایط فعلی صادر نکنیم، معلوم نیست بتوانیم همین سنگ‌ها را هم در آینده نزدیک صادر کنیم، چرا که فناوری‌های جدیدی مانند سنگ‌های مصنوعی آمده که مصرف سنگ‌های طبیعی را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

نوریان درباره آخرین وضعیت احداث گندله‌سازی ۴ میلیون تنی جدید و نورد یک میلیون تنی جدید چادرملو و مذاکرات با کوبه استیل ژاپن در زمینه فاینانس این پروژه‌ها گفت: با کوبه استیل و NHI چین مدت‌هاست در حال مذاکره هستیم و جلسات متعددی هم در این زمینه داریم. در این راستا مشکلات ارزی وجود دارد و به محض اینکه گشایشی صورت بگیرد کار را جلو خواهیم برد.

مدیرعامل شرکت معدنی و صنعتی چادرملو در پاسخ به این سوال خبرنگار ماین نیوز مبنی در خصوص شعار جایگزینی معدن با نفت عنوان کرد: برای اینکه این شعار به عمل تبدیل شود میلیاردها تومان سرمایه‌گذاری و سال‌ها وقت نیازمند است چرا که حجم کار و سرمایه‌گذاری صورت گرفته در بخش نفت اصلاً قابل مقایسه با بخش معدن نیست و امکان جایگزینی این دو بخش با هم وجود ندارد.

وی یادآوری کرد: شعار داشتن ذخایر فراوان معدنی هم مهم نیست چرا که ذخایر تا کشف و ثبت بهره‌برداری نشود، اهمیتی ندارند. اینکه ما در جایی سنگ آهن داریم یا مثلاً چند میلیارد تن سنگ

آهن در عمق ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متری زمین داریم اهمیتی ندارد چون باید معلوم شود اصلاً این ذخایر قابل استخراج هستند و آیا استخراج آنها اقتصادی است یا خیر. ذخایر سنگ آهن برای استخراج باید روباز باشند و استخراج از معادن زیرزمینی اصلاً اقتصادی نیست. مگر اینکه به دانش فنی آن دست پیدا کنیم یا با کشورهای قوی جهان در این زمینه ارتباطات بسیار نزدیکی برقرار کنیم که فعلاً چنین شرایطی را نداریم.

دنیای اقتصاد /

۹۷/۰۴/۳۱

الزامات عبور از «تحریم داخلی» معادن

سیاست‌های کلان و حکمرانی داخلی در حوزه معدن در سال‌های اخیر در نزد بسیاری از فعالان بخش خصوصی به «تحریم‌های داخلی» تعبیر می‌شوند، در واقع این تحریم‌ها علیه معادن کوچک و متوسط عمل کرده و به مسأله و چالشی اساسی برای این بخش تبدیل شده؛ به‌صورتی که اگر نگوئیم وزن آنها از تحریم‌های پیش رو بالاتر است کمتر هم نخواهد بود. فعالان حوزه معدن بر این باورند که اگر کشور از تحریم‌های داخلی عبور کند، قادر خواهد بود چالش‌های بنگاه‌ها را با تجربه تحریم‌های بین‌المللی قبلی پشت سر بگذارد، در واقع به عقیده فعالان معادن کوچک و متوسط، دولت با اقداماتی که در جهت حمایت از معادن دولتی یا خصوصی صورت داده هزینه‌های معدن‌کاری را برای تولیدکنندگان کوچک و متوسط این بخش بالا برده است.

فعالان معادن کوچک و متوسط معتقدند سه اقدام دولت عملکرد آنها را تحت تأثیر قرار داده است؛ ۱- افزایش حقوق دولتی در بخش تولید ۲- افزایش عوارض سنگ‌آهن دانه‌بندی شده که معادن کوچک و متوسط را هدف گرفته است

ادامه مطلب در صفحه بعد



اخبار انجمن

۳- لغو معافیت مالیاتی صادرات محصولات معدنی که عمده اثرگذاری آن روی این گروه از معادن است.



سجاد غرقی، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران و نایب رئیس اتحادیه تولیدکنندگان محصولات معدنی در پاسخ به سوال «دنیای اقتصاد» مبنی بر نزدیک شدن به ضرب الاجل اولین بخش از تحریم‌های آمریکا و اثرگذاری آنها روی حوزه معادن سنگ آهن گفت: موضوعی که قبل از تحریم‌های پیش رو در حوزه سنگ آهن وجود دارد؛ مساله «ضعف مدیریت داخلی» است؛ به این معنا که از مدت‌ها قبل با تحریم داخلی مواجه هستیم، به طوری که محدودیت‌هایی که دولت در مسیر صادرات محصولات معدنی، تحت عنوان «مبارزه با خام‌فروشی» در نظر گرفت در واقع مبارزه با صادرات و تولید داخل بوده است. به این ترتیب پیش از آنکه تحریم آغاز شود، خود به خود از طریق سیاست‌های حاکمیتی در بخش معدن به استقبال تحریم رفته‌ایم.

نایب رئیس اتحادیه تولیدکنندگان محصولات معدنی در ادامه با اشاره به قرار داشتن در شرایط رکود اقتصادی توضیح داد: در شرایطی که در رکود اقتصادی قرار داریم، می‌بینیم که معافیت صادرات محصولات معدنی برداشته می‌شود یا اینکه روی برخی محصولات معدنی عوارض گذاشته می‌شود، در این باره همان‌طور

که تحریم‌های بین‌المللی، تحریم‌های مخربی هستند، تحریم‌های داخلی هم، اثرات تخریبی بالایی دارند. در تحریم‌های داخلی، هدف، تولید معدنی و عمدتاً معادن کوچک و متوسط است. تحریم‌های داخلی، معادن کوچک و متوسط را که امکان توزیع رانت در آنها وجود ندارد به نفع معادن و بنگاه‌های خصولتی از بازار خارج می‌کند و این شائبه ایجاد می‌شود که برخی حتی در بدنه دولت به‌عنوان کارگزار خصولتی‌ها و صاحبان بنگاه‌های بزرگ شناخته می‌شوند.

در این باره مشاهده می‌کنیم که دولت قوانین را به نفع خصولتی‌ها تغییر داده و اعمال می‌کند. با وجود توضیحاتی که داده شد باید گفت آنچه در درجه اول با آن روبه‌رو هستیم این است که تلاشی در جهت انحصار در حال رخ دادن است که این انحصار در بخش‌های محدوده‌ها، تولید و توزیع منابع عمومی معدنی به نفع بنگاه‌های خصولتی است.

در این راستا، تحریم‌های داخلی به از بین رفتن و کوچک شدن معادن کوچک و متوسط می‌انجامد. غرقی در ادامه بعد از بررسی چالش‌های سیاستی داخلی به تحریم‌های آمریکا اشاره کرد و گفت: این تحریم‌ها تقریباً بر تمامی بخش‌های سنگ آهن اثر می‌گذارد، اما اگر تحریم داخلی نداشته باشیم، می‌توانیم تا حدودی اثرات تحریم آمریکا را کاهش دهیم.

وی طبقه‌بندی سه‌گانه‌ای از مشکلات عمده بخش سنگ آهن با نزدیک شدن ضرب الاجل مردادماه ارائه و عمده مشکلات داخلی و سیاست‌های حاکمیتی را به شکل زیر مطرح کرد:

۱- عوارض بر محصولات معدنی

۲- افزایش تا ۲۰۰ درصدی حقوق دولتی در بخشی از معادن در شرایطی که در رکود به سر می‌بریم.

۳- برداشتن معافیت مالیاتی.

به گفته وی در ادامه هیچ منبع جدیدی هم برای کمک به تسهیلات تا الان و به‌صورت اثرگذار در بخش معدن مشاهده نشده است.

اثرگذاری تحریم‌های جدید در عرضه سنگ آهن را نمی‌توان نادیده گرفت؛ چرا که این تحریم‌ها و در نتیجه افزایش نرخ ارز در زمینه‌هایی همچون خرید قطعات یدکی و ماشین‌آلاتی که ابزار اصلی استخراج معدنی در زمینه سنگ آهن هستند موثر بوده و هزینه‌ها را افزایش می‌دهد.

وی در ادامه گفت: اما اگر با صادرات مبارزه نشود، تا حدودی می‌شود از طریق صادرات، اثرات تحریم را کاهش داد، به این معنا که اگر معادن کاران این امکان را داشته باشند که صادرات انجام دهند، می‌توانند این زبان را تا حدودی جبران کنند. از سوی دیگر اما باز به تحریم‌های داخلی برمی‌خوریم که خیلی می‌توانند اثرگذارتر از تحریم‌های رئیس‌جمهور آمریکا باشند، در این زمینه بخش معدن سه درخواست مشخص از وزیر داشته است:

۱- خارج کردن ارز محصولات معدنی از سیستم «نیما» برای معادن کوچک و متوسط

۲- استمهال و تعلیق اخذ حقوق دولتی از معادن کوچک و متوسط به مدت ۳ سال

۳- بازگشت مشوق‌های صادراتی و لغو عوارض صادرات محصولات معدنی.

هر سه این موارد برای معادن کوچک و متوسط در نظر گرفته شده که همه آنها هم به وزیر صنعت و معدن ارائه شده است؛ در این باره به نظر می‌رسد که مقاومت‌هایی وجود دارد.

ادامه مطلب در صفحه بعد



اخبار انجمن

عصر معدن /
۹۷/۰۴/۲۷

دبیر انجمن سنگ آهن: مذاکره با عمان برای حل مشکلات صادرات سنگ آهن

دبیر انجمن سنگ آهن در حاشیه جلسه کارگروه ایران - عمان در اتاق بازرگانی ایران اظهار کرد: اتاق بازرگانی ایران طی یک ابتکار عملی منجر به ایجاد نشست‌هایی با حضور سفیران کشورها با بخش خصوصی شده است. این اقدام در راستای هدف دیپلماسی اقتصادی و هماهنگ شدن تمام ابزارهای کشور و حل معضلات اقتصادی است.

عسگرزاده در گفت و گو با «عصر معدن»، درباره روابط ایران و عمان بیان کرد: کشور عمان احتمالا باید آخرین کشوری باشد که بخواهد تحریم‌های علیه ایران را بپذیرد. چرا که روابط عمان بعد از انقلاب با ایران در سطح نسبتا مطلوبی بوده است. وی گفت: در جلسه کارگروه ایران عمان پیشنهادهای مطرح و قرار شد جلسات مشترکی به صورت مداوم با سفیر عمان و رییس اتاق ایران عمان داشته باشیم تا به نتیجه مطلوب دست پیدا کنیم. وی افزود: در نظر داریم تا با یک سرمایه‌گذاری مشترک و هماهنگی با دولت عمان بخش عمده‌ای از مشکلات کشتیرانی کشور را که مسایل سنگ آهن را تحت شعاع قرار می‌دهد را حل کنیم. عسگرزاده درباره پتانسیل همکاری‌های معدنی با عمان گفت: عمان قابلیت تبدیل شدن به هاب را در منطقه دارد اما تاکنون به آن پرداخته نشده است. به جز سنگ آهن در سایر مواد معدنی نیز اگر بخواهیم فرآیند صادرات را دنبال کنیم و مشکلات پهلوگیری کشتی‌ها در بنادر ایران را حل کنیم بهتر است که پایگاهی در بندر صحار داشته باشیم تا این بندر بتواند به صورت هاب عمل کند. دبیر انجمن سنگ آهن ادامه داد: با توجه به این که کشور عمان با ۱۷ کشور دارای تفاهم‌نامه است می‌تواند بدون گمرکات با این کشورها تجارت کند که این موضوع دارای مزیت است. می‌توانیم از تمام این مزایا استفاده کنیم و این موضوع برای کشور مفید است.



به گزارش پایگاه خبری «عصر معدن» مهرداد اکبریان با بیان این مطلب ادامه داد: از ۹ سال پیش عده‌ای تصمیم گرفتند عوارض صادراتی وضع کنند. این درحالی است که هیات مدیره انجمن معتقد است وضع عوارض کمکی به زنجیره فولاد نخواهد کرد.

وی با بیان اینکه در این مدت، دفاع کاملی از حوزه سنگ آهن وجود داشته، افزود: در سال ۹۷، به یکباره موضوع وضع عوارض بر صادرات به تصویب شورای عالی اقتصاد رسید، درحالی که این موضوع در ستاد زنجیره فولاد در حال بررسی بود.

اکبریان ادامه داد: ستاد فولاد بهترین مرجع برای بررسی و تصمیم گیری بود، ما نیز گزارش کاملی را به ستاد داده بودیم و در این جلسات عواقب وضع عوارض را به طور کامل و کارشناسی مطرح کردیم. در نهایت درست پس از جلسه کارشناسی ظرف ۲ ساعت این وضع عوارض در شورای عالی معادن به تصویب رسید. وی افزود: نظر ما این است که حتی وضع عوارض ۵ درصدی در شرایط فعلی و در آغاز تحریم‌ها به صلاح نخواهد بود. در بحث عوارض بحث گندله و کنسانتره نیز مطرح شد و ما توانستیم عوارض کنسانتره را صفر کرده و گندله را از ۱۵ درصد به ۵ درصد رسانیم.

غرقی در ادامه با اشاره به این موضوع که در این باره ممکن است عده‌ای عنوان کنند دولت با مواردی همچون کاهش عوارض صادراتی گندله سعی در مقابله با تحریم‌ها و به نوعی کمک‌رسانی به بخش معادن سنگ آهن داشته، گفت: این موضوع انحرافی است؛ زیرا تولیدکنندگان گندله کشور که در ادامه امکان صادرات را نیز دارند به طور کل یک یا دو بنگاه را شامل می‌شوند، این در حالی است که از میان این دو بنگاه، بخشی از سهام یکی از این کارخانه‌ها متعلق به دولت است و دولت به طور کامل در نحوه اداره این بنگاه‌ها اعمال نظر می‌کند. موضوع دوم اینکه این امتیاز تنها ممکن است برای یک بنگاه محدود شود، چرا که هیچ کدام از معادن کوچک و متوسط تولید گندله ندارند، در حالی که چرخه فولاد کشور نیازمند تولید گندله است.

لذا من این بحث را به نوعی انحرافی و در نگاهی دیگر تبلیغاتی می‌دانم. به گفته غرقی تا زمانی که معادن دولتی کنسانتره برای صادرات در اختیار دارند، صادرات این محصول، خام‌فروشی حساب نمی‌شود، اما از زمانی که کنسانتره این معادن برای صادرات تمام شده یا به گندله تبدیل می‌شود، کنسانتره را هم خام در نظر گرفته و در ادامه صادرات این محصول را هم با عنوان خام‌فروشی محدود می‌کنند که چالش‌های زیادی را برای سایر بنگاه‌ها به همراه دارد.

عصر معدن /
۹۷/۰۴/۲۷

وضع عوارض کمکی به زنجیره فولاد نمی‌کند

رییس انجمن سنگ آهن ایران در مجمع عمومی عادی این انجمن گفت: اقدامات انجام گرفته در ۱ ساله گذشته شامل پیگیری منافع شرکت‌های مشترک روز، به روز رسانی آخرین وضعیت حوزه سنگ آهن، ارتقا جایگاه معدن، برگزاری جلسات با مدیران عضو درباره موضوع وضع عوارض بر صادرات و هم نشینی با فعالان معدنی در ارتباط با نرخ ارز است.

معاونت امور معادن و صنایع معدنی وزارت صنعت معدن و تجارت اظهار کرد: عوارض صادرات سنگ برای اجرا نیاز به زمانی ۳ ماهه دارد



جعفر سرقیننی معاونت امور معادن و صنایع معدنی وزارت صنعت معدن و تجارت در حاشیه دهمین نمایشگاه بین المللی سنگ تهران به «عصر معدن» گفت: موضوع وضع عوارض برای صادرات سنگ به تازگی و ۳ روز پیش ابلاغ شده و هنوز اجرایی نشده است. وی ادامه داد: پس از ابلاغ ۳ ماهه برای اجرایی شدن این موضوع زمان نیاز است.

سرقیننی افزود: اکنون در مورد اینکه آیا تغییری در آن به وجود می آید نمی توانم صحبت کنم اما بخش خصوصی و دست اندرکاران صنعت سنگ و دیگر تولید کنندگان مواد معدنی تقاضا دارند اجرای عوارض به تاخیر افتد و اگر مراحل اداری آن پیش رفته و انجام شود.

معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت تصریح کرد: بنده هیچ پیش بینی برای اینکه چه اتفاقی می افتد ندارم.

دنیای اقتصاد /

۹۷/۰۵/۱۰

آمار سه ماهه صدور پروانه های بهره برداری صنعتی و معدنی

ارزیابی ها نشان می دهد در سه ماه نخست امسال، یک هزار و ۱۲۳ پروانه بهره برداری صنعتی اعم از پروانه بهره برداری ایجاد و توسعه ای و ۱۲۶ پروانه بهره برداری معدنی صادر شده است. به گزارش «شاتا» همچنین در این مدت ۴ هزار و ۶۵۳ جواز تاسیس صنعتی در کشور صادر شده است که در قیاس با تعداد ۳۸۷۷ مجوز صادره در سه ماه مشابه سال قبل ۲۰ درصد افزایش نشان می دهد. تعداد پروانه های اکتشاف معدنی صادر شده طی این مدت نیز ۲۳۵ و گواهی کشف معدنی ۱۰۱ فقره بوده است.

این در حالی است که تعداد ۸۲ هزار و ۲۴۳ پروانه صنفی، یک هزار و ۶۹۹ کارت بازرگانی، ۲۶ هزار و ۱۰ گواهی امضای الکترونیکی و ۳ هزار و ۸۱۴ نماد الکترونیکی و ۲ پروانه بهره برداری نرم افزار از ابتدای سال تا تیرماه سال جاری صادر شده است. طی این مدت همچنین در حوزه پژوهش، فنی و مهندسی و تحقیق و توسعه تعداد پروانه های صادر شده فنی و مهندسی ۳۵ فقره، جواز خدمات فنی و مهندسی ۵۲ فقره، جواز تاسیس مرکز پژوهش های صنعتی و معدنی ۳ فقره و پروانه مرکز پژوهش های صنعتی و معدنی ۲ فقره بوده است. از سوی دیگر ۲۰ گواهی تحقیق و توسعه و ۳۲ پروانه تحقیق و توسعه نیز در مدت یاد شده صادر شده است. صدور تعداد پروانه های اکتشاف معدنی ۹/۸ درصد، گواهی امضای الکترونیکی ۱۰۲/۹ درصد، نماد الکترونیکی ۳۸/۳ درصد، پروانه بهره برداری نرم افزار ۱۰۰ درصد، پروانه فنی و مهندسی ۴۰ درصد و پروانه تحقیق و توسعه ۶۰ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل

افزایش داشته است.

میزان پرداخت تسهیلات به بخش صنعت و معدن

همچنین بر اساس گزارش معاونت طرح و برنامه وزارت صنعت، معدن و تجارت ۳۴ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان تسهیلات به بخش صنعت و معدن در ۳ ماه نخست امسال پرداخت شد که در مقایسه با مدت مشابه پارسال ۵/۵ درصد افزایش یافته است. به گزارش شاتا، در بخش بازرگانی نیز ۱۶ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان تسهیلات پرداخت شده است که در مقایسه با ۱۲ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان پرداخت شده در مدت مشابه پارسال، ۳۱ درصد افزایش یافته است. همچنین در ۳ ماه نخست سال گذشته در مجموع ۳۲ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان تسهیلات به بخش صنعت و معدن اختصاص یافته بود. بر پایه این گزارش در بخش خدمات، در این مدت ۴۷ هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان تسهیلات پرداخت شده که در همسنگی با مدت مشابه سال گذشته ۱۵/۷ درصد افزایش یافته است.

اخبار فلزات /

۹۷/۰۵/۰۶

معاون بهره برداری و اکتشاف شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران خبر داد:

اخذ بیش از ۴۸ هزار کیلومتر مربع پهنه اکتشافی

تاکنون ۴۸ هزار و ۵۶۰ کیلومتر مربع پهنه اکتشافی توسط شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران اخذ شده است.

به گزارش فلزات آنلاین و به نقل از روابط عمومی شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران، حسام مقدم علی؛ معاون بهره برداری و اکتشاف ایمپاسکو با بیان این مطلب گفت: شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران طی فعالیت های اکتشافی خود تاکنون موفق به اخذ و تبادل تفاهم نامه در ۴۸,۵۶۰ کیلومتر مربع پهنه اکتشافی شده

ادامه مطلب در صفحه بعد



که مقدار ۳۷۹۰۰ کیلومتر مربع خاتمه یافته و با توجه به برنامه ریزی اخذ پهنه‌های جدید در سال ۹۷، ۳۵ هزار و ۴۰۰ کیلومتر مربع در دست اقدام است.

وی در ادامه افزود: مطالعه تعداد ۵۱ هدف اصلی جهت اخذ پروانه اکتشاف جدید حاصل از پهنه های خاتمه یافته نیز در دستور کار قرار دارد.

مقدم‌علی خاطر نشان کرد: در مجموع ۶۸۰ هزار متر حفاری در شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران طی سال های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۶ انجام شده و از این میزان، ۲۷۰ هزار متر حفاری مغزه‌گیری طی بازه ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ به انجام رسیده است.

معاون بهره‌برداری و اکتشاف شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران تصریح کرد: از کل حفاری به عمل آمده طی سال های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۶، ۲۸ درصد مرتبط با اکتشاف زغال سنگ و مابقی به حوزه‌های فلزی (سنگ آهن و پلی متال) می باشد و در حال حاضر گزارشات نهایی فعالیت اکتشافی جدید به سازمان صمت استان‌ها و یا ستاد وزارت صمت جهت صدور گواهی کشف جدید و یا ارتقاء ذخیره گواهی کشف فعلی ارسال شده است.

وی با اشاره به عملکرد مدیریت بهره‌برداری در سال ۹۶ گفت: تا پایان سال ۹۶ برنامه تولید ۶۶۵ هزار تن خاک سرب و روی را داشتیم که این عدد به ۸۶۳ هزار و ۵۰۰ تن ارتقا یافت، همچنین در این مدت برنامه تولید ۳۰۰ کیلوگرم طلا به ۶۰۲ کیلوگرم افزایش یافت.

مقدم‌علی در ادامه افزود: برنامه تولید کنسانتره سرب نخلک در سال گذشته ۱۵۰۰ تن بود که تا پایان سال ۹۶ این عدد به ۳۸۰۰ تن رسید.

معاون بهره‌برداری و اکتشاف شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران برنامه های عملیاتی ۴ سال آتی این شرکت را در ۳ گروه اصلی عنوان کرد و افزود: امیدواریم تا پایان سال ۱۴۰۰ تعداد ۲۸ گواهینامه کشف، ۳۰ پروانه اکتشاف و بالغ بر ۱۴۰ هزار متر حفاری صورت گیرد.

دنیای اقتصاد/
۹۷/۰۵/۰۷

مشکلات بر سر راه واردات برخی ماشین‌آلات معدنی

واردکنندگان حوزه ماشین‌آلات راه‌سازی و معدنی به ویژه چکش‌های هیدرولیک گرفتار دستورالعمل‌های پیچیده ادارات دولتی شده و قادر به ثبت سفارش نیستند. به گزارش «دنیای اقتصاد» واردکنندگان مذکور که تا پیش از این به سادگی و طبق روال عادی موفق به ثبت سفارش و واردات کالاهای خود می‌شدند اکنون با مراجعه به وزارت صنعت، معدن و تجارت به اتاق‌های بازرگانی ارجاع داده می‌شوند و اتاق‌های بازرگانی اختیار و ابزار کافی برای رفع مشکل ندارند. این در حالی است که چکش‌های هیدرولیک، کاربرد وسیعی در بخش معدن و راه‌سازی کشور داشته و بدون آن حفاری و تخریب در بسیاری از پروژه‌های راه‌سازی و معدنی امکان‌پذیر نیست. در حال حاضر، با توجه به دانش فنی پیچیده ساخت سیلندر، امکان تولید چکش هیدرولیک وجود ندارد.

با فرض انتقال دانش فنی و مواد اولیه (به‌رغم زمان بر بودن آن)، تولید چکش هیدرولیک فقط برای مصرف داخلی مزیت اقتصادی ندارد. در این شرایط بهترین روش تامین آن واردات و استفاده از تیم‌های مجرب فنی است. یکی از مدیران یک شرکت بازرگانی و خدمات پس از فروش معتبر در این حوزه که مایل به اعلام نام خود نبود به خبرنگار «دنیای اقتصاد» گفت: این کالاها در پروژه‌های عمرانی و معدنی نقش حیاتی دارند، ولی متأسفانه در تصمیم‌گیری‌های جدید مسوولان دولتی، مدنظر قرار نگرفته است. وی افزود: طبق گروه‌بندی جدید کالاها، بخشی از محصولات یک سفارش در اولویت دوم و بخشی دیگر در اولویت سوم قرار گرفته است. به همین دلیل نمی‌توان در قالب یک ثبت سفارش اقدام به واردات کرد و متعاقباً برای یک سفارش باید به دو روش متفاوت

اقدام به تامین ارز کرد که این امر فرآیند واردات را بسیار پیچیده می‌کند. به‌طور مثال، یک سفارش در دو اظهار مجزا از گمرک ترخیص خواهد شد. وی افزود: مشکل دیگر و مهم‌تر عدم تایید مجوز ثبت سفارش توسط معاونت صنایع است. هنگامی که برای ثبت سفارش (طبق اعلام سیستم سامانه جامع تجارت) به یکی از ادارات کل وزارت صنعت، معدن و تجارت مراجعه می‌کنیم، با این استدلال روبه‌رو می‌شویم که «ما مسوول شرکت‌هایی هستیم که دارای پروانه تولید هستند و مسوولیتی برای شرکت‌های بازرگانی نداریم. همچنین در خصوص شرکت‌های بازرگانی، دستور العمل و مبنای کارشناسی تدوین نشده است.»

وی با اشاره به اینکه در نهایت به سوی اتاق‌های بازرگانی هدایت می‌شویم گفت: اتاق بازرگانی قدرت اجرایی برای تایید ثبت سفارش و تخصیص ارز ندارد و فقط می‌تواند نظر مشورتی ارائه کند. این فعال بخش ماشین‌آلات معدنی می‌افزاید: برخی از کارشناسان دولتی هم شرط بررسی مجوز بازرگانی ثبت سفارش را فقط عقد قرارداد معتبر با یک نهاد دولتی یا حکومتی مانند وزارت نفت و راه و شهرسازی می‌دانند، حال آنکه ابتدا این نهادها با پیمانکاران قرارداد منعقد کرده، سپس پیمانکاران در قالب تجهیز کارگاه، ماشین‌آلات مورد نیاز پروژه را از طریق شرکت‌های بازرگانی تامین می‌کنند.

از طرفی پیش‌فروش ماشین‌آلات و متعلقات آن به پیمانکاران به جهت ماهیت پروژه‌های عمرانی و معدنی بی‌معناست و خرید پس از بازدید و تایید واحد ماشین‌آلات به‌صورت تحویل فوری انجام می‌شود. گزارش «دنیای اقتصاد» نشان می‌دهد که متأسفانه با توجه به استهلاک پذیر بودن چکش‌های هیدرولیک و عمر مفید کوتاه آن در آینده بسیار نزدیک، معادن و پروژه‌های راه‌سازی دچار مشکل جدی خواهند شد. همچنین بسیاری از مهندسان و تکنسین‌های فنی که به‌صورت تخصصی در این حوزه فعالیت می‌کنند شغل خود را از دست خواهند داد.



گزارش های خبری

دنیای اقتصاد /
۹۷/۰۴/۲۶

ز سوی کمیسیون معادن و صنایع معدنی اتاق ایران صورت گرفت شناسایی ۱۴ مانع معادن کوچک و متوسط

پایش مشکلات معادن کوچک و متوسط کشور نشان می‌دهد که این بخش درگیر ۱۴ مشکل عمده است؛ ارزیابی‌های صورت گرفته نشان‌دهنده آن است که عمده مشکلات این بخش به مسائل تامین مالی و نبود ساختار فرآوری بازمی‌گردد. بر اساس آمارها، ۹۳ / ۸ درصد از معادن کشور را معادن کوچک و متوسط تشکیل می‌دهند که سهم آنها در اشتغال حوزه معدن ۸۵ درصد و در تولید محصولات معدنی کشور ۶۵ درصد برآورد می‌شود.



تفاوت در زیرساخت‌ها و دسترسی استان‌ها به امکانات، برگزاری این نشست یکی از پیش‌نیازهای تقسیم کار ملی بخش خصوصی بوده و توانسته مشکلات حوزه معادن در استان‌ها را در ۱۴ حوزه استخراج و اولویت‌بندی کند.

عمده مشکلات معادن کوچک و متوسط

بر اساس گزارش پایگاه خبری اتاق ایران، ارزیابی‌های صورت گرفته نشان‌دهنده آن است که «مشکلات تامین مالی» در مجموع ۸ استان را درگیر خود کرده است؛ تامین مالی را می‌توان عمده مشکل بخش تولید از جمله بخش معدن یاد کرد، چالشی که موجب شده این بخش امکان دسترسی به تکنولوژی روز دنیا را نداشته باشد؛ عاملی که بهره‌وری این بخش را بسیار کاهش داده است. «عدم تکمیل کامل زنجیره ارزش» و «ضعف مدیریت و عدم وجود حاکمیت یگانه در دولت در حوزه معادن» نیز براساس گزارش ارائه‌شده دومین و سومین چالشی است که هریک پنج استان را براساس ارزیابی‌های صورت گرفته درگیر خود کرده‌اند.

پایش صورت گرفته از سوی فعالان بخش خصوصی همچنین بیانگر آن است که «مشکل معارضین محلی»، «بالا بودن عوارض گمرکی ماشین‌آلات» و «لزوم حذف عوارض صادرات» نیز هر یک سه استان را درگیر خود کرده‌اند. در کنار چالش‌های مذکور ارزیابی‌های صورت گرفته بیانگر آن است که «مشکل تامین آب» و «عدم توجه به معادن کوچک و متوسط» در رده بعدی مشکلات معادن کوچک و متوسط قرار دارند و هریک دو استان را درگیر کرده‌اند. اما در رده‌های بعدی مشکلات معدن کوچک و متوسط می‌توان به «نبود تشکلهای تخصصی استانی»، «نبود پایانه‌های صادراتی»، «عدم آموزش دانشجویان متناسب با نیاز بخش»، «نبود زیرساخت حمل و نقل و الزامات صادرات»، «ممنوعیت واردات کنسانتره سرب و روی» و «مداخله دولت در بازار ارز» اشاره کرد.

۶ راهکار برای عبور از چالش

چالش‌های مذکور موجب شد تا در این نشست ۶ پیشنهاد برای استفاده از ظرفیت معادن کوچک و متوسط در ایجاد توسعه پایدار و اشتغال فراگیر در استان‌های کمتر توسعه یافته، مطرح شده و مورد تاکید قرار گیرد. در پیشنهاد اول این نکته مورد توجه قرار گرفته است که با توجه به کاهش قیمت کامودیتی‌های معدنی در بازار جهانی، فروش محصولات معادن به شکل دانه‌بندی اقتصادی نیست و باید با فرآوری و ایجاد ارزش افزوده، محصولات دارای ارزش بالاتر را صادر کرد. فروش مواد معدنی بدون ارزش افزوده یا با ارزش افزوده پایین، همواره مورد اعتراض متوالیان بخش معدن بوده است، به اعتقاد متولیان این بخش با ایجاد ارزش افزوده روی محصولات معدنی می‌توان سهم این بخش را در صادرات افزایش داد، اقدامی که در نهایت به افزایش سهم بخش معدن در اقتصاد کشور منجر خواهد شد. از سوی دیگر، در راهکارهای پیشنهادی این نکته مورد توجه قرار گرفته است که با توجه به جانمایی معادن، عیار، ذخیره و زیرساخت معادن در استان‌ها، می‌توان با ایجاد کنسرسیومی از معادن داران کوچک نسبت به ایجاد واحدهای فرآوری برای خوشه‌های معدنی در استان‌ها اقدام کرد. همچنین با توجه به حجم بالای نقدینگی در کشور، می‌توان نسبت به جذب این نقدینگی برای احداث واحدهای فرآوری اقدام کرد.

با توجه به اینکه کمبود منابع مالی به‌عنوان یکی از چالش‌های اصلی معادن کوچک و متوسط یاد شده است، در راهکارهای پیشنهادی این مورد مطرح شده که در صورت نبود تامین مالی، این امکان پیش‌بینی شود که در صورت نیاز از ظرفیت ایمیدرو و صندوق بیمه سرمایه‌گذاری برای ایجاد واحدهای فرآوری بر اساس ظرفیت‌سنجی استانی استفاده شود. از سوی دیگر، برای واحدهای فرآوری بزرگ که نیازمند محصول فرآوری‌شده معادن کوچک هستند نیز این مورد در نظر گرفته شده است که به شکل‌های مختلف از جمله پیش‌خرید محصول، در فعال‌سازی معادن کوچک و متوسط با احداث کارخانه فرآوری آن دخیل شوند.

ادامه مطلب در صفحه بعد



گزارش های خبری

دنیای اقتصاد /
۹۷/۰۵/۰۹

محمدجواد ظریف در جمع فعالان بخش خصوصی، اظهار کرد: همکاری با شرکت های کوچک و متوسط اروپایی، رشد بخش خصوصی کشور را به دنبال دارد

محمدجواد ظریف طی سخنانی در اتاق ایران گفت: همکاری با شرکت های کوچک و متوسط اروپایی، رشد بخش خصوصی کشور را به دنبال خواهد داشت. وزیر خارجه افزود: ما می توانیم فشارهای اقتصادی را به افزایش تولید ملی و افزایش صادرات غیرنفتی تبدیل کنیم و به آمریکایی ها نشان دهیم که باید اعتیادشان را ترک کنند چون دنیا هم به این نتیجه رسیده است.

به نقل از پایگاه خبری اتاق ایران، وزیر امور خارجه در نخستین همایش مشترک سفرا و رؤسای نمایندگی های ایران با فعالان بخش خصوصی گفت: وظیفه خود می دانیم که در خدمت فعالان بخش خصوصی و تسهیل کننده فعالیت آنان باشیم.

محمدجواد ظریف با اشاره به برنامه دولت در تقویت مبادلات تجاری بخش خصوصی با کشورهای جهان گفت: باید در این جمع تاکید کنم که وظیفه دولت تصدی گری در اقتصاد نیست، بلکه تسهیل کننده در این حوزه است. در طول مدت فعالیت دولت هم تلاش کردیم تا این واقعیت را نشان دهیم.

ظریف با اشاره به اینکه در چند هفته اخیر این سومین بار است که در جمع فعالان بخش خصوصی حضور پیدا می کند خاطرنشان کرد: برگزاری چنین جلساتی ابتکار مهمی است که موجب همراهی و همکاری جدی بخش خصوصی و نمایندگانی ها ما در کشورهای مختلف می شود.

ادامه مطلب در صفحه بعد

پدرام سلطانی در گفت و گو با «پایگاه خبری اتاق ایران» با تاکید بر ضرورت سرمایه گذاری بنگاه های کوچک و متوسط در ایران، گفت: بنگاه های کوچک و متوسط در ایران بیش از ۸۰ درصد از بنگاه های صنعتی کشور را تشکیل می دهند و نقش حائز اهمیتی در اقتصاد کشور دارند.

خوشبختانه اخیرا توجه بیشتری به نقش SME ها در ایران شده است. وی با تاکید بر اهمیت این بنگاه ها، بیان کرد: فضای کسب و کار SME های داخلی متاثر از سیاست گذاری های دولتی آسیب پذیر شده و متاسفانه در سال های گذشته، سیاست های دولتی به شدت به بنگاه های کوچک و متوسط آسیب وارد کرده است. وی در این زمینه توضیح داد: وقتی صحبت از بنگاه های کوچک و متوسط در آلمان می کنیم، این بنگاه های کوچک در مقایسه با بنگاه های بزرگ می توانند بیش از یک میلیارد دلار صادرات داشته باشند اما با این وجود بنگاه کوچک نامیده می شوند.

این در حالی است که اندازه بنگاهی در ایران در مقایسه با کشورهای توسعه یافته کوچک تر است. با همین رویکرد، SME ها در داخل ایران کوچک نگه داشته شده اند. سلطانی تصریح کرد: بنگاه های کوچک و متوسط موتور اشتغال هستند و تامین کننده صادرات کالاها و خدمات ویژه برای گروه های هدف به شمار می روند. با این حال چه شرکت های کوچک و متوسط و چه شرکت های بزرگ برای تجارت و تعامل اقتصادی نیاز به زیرساخت دارند که مهم ترین این زیرساخت ها ارتباطات بانکی، حمل و نقل و بیمه است. در شرایطی که با خروج آمریکا از برجام شاهد فشار بر اقتصاد کشور هستیم و از طرفی این سه زیرساخت فراهم نیست، شرکت های بزرگ حاضر به همکاری با ایران نخواهند بود. بنابراین تلاش ایران برای مذاکره با اتحادیه اروپا این است تا به مدلی برای حل مشکلات موجود و تقویت زیرساخت ها دست یابیم.

در عین حال، با توجه به قرار گرفتن معادن در مناطق دورافتاده و محروم و اهمیت راه اندازی این معادن و احداث واحدهای فرآوری در ایجاد اشتغال، جلوگیری از مهاجرت روستاییان، ایجاد آبادانی و از همه مهم تر امنیت پایدار در این فرآیند، اولویت با استان های محروم خواهد بود. در این نشست مقرر شد این پیشنهادات در کمیسیون های معادن اتاق های استانی پیگیری شده و با همکاری نهادهای متولی، تامین مالی و ایجاد واحدهای فرآوری با اولویت مناطق کمتر توسعه یافته برای ایجاد اشتغال، تولید، ارزش افزوده و امنیت پایدار با جدیت بر اساس برنامه ذکر شده در دستور کار قرار گیرد.

دنیای اقتصاد /
۹۷/۰۵/۰۹

چرا SME ها در ایران کوچک نگه داشته شده اند؟

نایب رئیس اتاق ایران بر ضرورت نقش آفرینی بنگاه های کوچک و متوسط در دوره جدید همکاری های بین المللی اقتصادی تاکید کرد و در عین حال از ضعف این بنگاه ها در ایران سخن گفت.





گزارش های خبری

فرصت همکاری با آنها نبود. بر همین اساس باید ابتکار به خرج دهیم. او با تاکید بر زمینه‌های پیش‌روی صادرات غیرنفتی بیان کرد: مطمئن هستیم که امروز می‌توانیم شرایط را بهتر از قبل پیش ببریم، چون دنیا در کنار ماست. ضمن اینکه همه قوای کشور در این شرایط متحد هستند و منسجم‌تر شده‌اند. در این راستا همکاری بخش خصوصی بیش از هر زمان دیگری نیاز است. ما می‌توانیم فشارهای اقتصادی را به افزایش تولید ملی و افزایش صادرات غیرنفتی تبدیل کنیم و به آمریکایی‌ها نشان دهیم که باید اعتیادشان را ترک کنند چون دنیا هم به این نتیجه رسیده است. وی با بیان اینکه ما کشوری هستیم که علی‌رغم فشارهای آمریکا از امنیت برخورداریم، افزود: متأسفانه امنیت و مشروعیت کشورهای همسایه ما به بیرون وابسته است، چنان که ما از این موضوع ناراحت هستیم که یک رئیس‌جمهور تازه به دوران رسیده خطاب به کشورهای همسایه ما می‌گوید که اگر ما دو هفته از شما حمایت نکنیم شما باقی نمی‌مانید. شما تصور کنید که یک نفر بیاید و به شما بگوید که اگر من نباشم شما حتی دو هفته هم دوام نمی‌آورید، آیا حاضرید این حرف را با تمام منابع دنیا عوض کنید؟

ظریف ادامه داد: آمریکا حدود ۴۰ سال است که ما را تحریم کرده و ما هر روز بر خلاف این تحریم‌ها پیشرفت کردیم. اهل شعار نیستیم، اما با همراهی مردم توانستیم این سختی‌ها را تحمل کنیم. سربلندی امروز به راحتی به دست نیامده که بخواهیم به راحتی از دستش بدهیم.

در همایش امروز، سفرا و فعالان بخش خصوصی در قالب ۵۱ کارگروه به بررسی مسائل مرتبط با تجارت با ۵۱ کشور هدف می‌پردازند. بررسی مشکلات بانکی و راهکارهای نقل و انتقال پول، مشکلات بیمه‌ای، مسائل گمرکی و حمل و نقل، فعالیت شرکت‌های کوچک و متوسط، شرکت در نمایشگاه‌ها و همایش‌های تجاری، حل و فصل اختلافات تجاری میان تجار، و پتانسیل‌های موجود برای انعقاد موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی و تجارت آزاد جزو مهم‌ترین محورهای دستور کار نشست کارگروه‌ها در همایش امروز اتاق ایران است.

قطعه‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت از کشورها می‌خواهد که اقداماتی را انجام ندهند که مانع اجرای قطعه‌نامه ۲۲۳۱ شود. ظریف گفت: اروپا و فعالان اقتصادی اروپا باید امروز تصمیم بگیرند که آیا می‌خواهند دنباله‌رو منافع آمریکا و به عبارتی شخص ترامپ باشند یا می‌خواهند منافع اروپا را دنبال کنند. او در ادامه با تاکید بر این نکته که نباید دنیا را مجبور کنیم که بین ما و فشارهای اقتصادی آمریکا یکی را انتخاب کند گفت: معتقدم



شکافی که امروز میان آمریکا و اروپا شکل گرفته، فرصت جدیدی برای ماست. اما بر خلاف سال‌های گذشته، درایت حکم می‌کند تا ما پل شکاف و پل حل اختلافات نباشیم. امروز از آفریقا تا آمریکای لاتین و آسیا می‌دانند که روندی که دولت آمریکا در پیش گرفته خطرناک است و میزان مقاومت ما نیز بستگی به راه‌هایی دارد که می‌خواهیم استفاده کنیم.

ظریف گفت: یکی از این راه‌ها بهره‌مندی از فعالیت با شرکت‌های کوچک و متوسط اروپایی است که فرصتی فراهم خواهد کرد تا بخش خصوصی کشور رشد کند. باید بتوانیم از امکانات اروپایی‌ها استفاده کنیم. وزیر امور خارجه تاکید کرد: کار با شرکای سنتی قطعاً راحت‌تر است، اما در حوزه‌های جدید حتماً شرکای بهتری پیدا خواهد شد. باید با ابتکار و نوآوری از ظرفیت‌ها استفاده کنیم. برخی مواقع ظرفیت‌های جدید و مشتری‌یابی پیدا می‌شوند که قبلاً

باید توجه داشت که مسیر ارتباط میان بخش خصوصی و نمایندگان ایران در کشورهای مختلف یک‌طرفه نیست. از یک‌سو ما به اطلاعات شما نیاز داریم تا بفهمیم در چه حوزه‌هایی امکان رقابت و فعالیت اقتصادی وجود دارد و از سوی دیگر شما به اطلاعات نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مختلف و پیگیری‌های این نمایندگی‌ها می‌تواند انجام دهند، نیاز دارید. وزیر امور خارجه با اشاره به تحریم‌های اعمال شده از سوی آمریکا گفت: اگر چه مسیر دشوار است، اما معتقدیم که مسیر برای ارتقای فعالیت‌های بخش خصوصی هموار است. علی‌رغم توان اقتصادی آمریکا، امروز این کشور خود را در انزوا احساس می‌کند و تصور می‌کند برای نمایش توان اقتصادی خود باید به تحریم‌ها متوسل شود.

ظریف گفت: تاریخ روابط خارجی آمریکا نشان می‌دهد که این کشور به طور معمول بیشترین تحریم‌ها را علیه کشورهای جهان اعمال کرده و به عبارتی می‌توان گفت که آمریکا معتاد به تحریم است. ظریف در ادامه بیان کرد: همراهی شورای امنیت سازمان ملل در تحریم‌های آمریکا علیه ایران، چتری بود تا این تحریم‌ها مقبول جلوه کند. اما امروز شرایط به گونه‌ای دیگر است. امروز برای دنیا دشوار است که کشوری مانند آمریکا بخواهد مدعی نمایندگی نظام جهانی شود. مشکل امروز اروپا و آمریکا این است که آمریکا اکنون در برابر نظم لیبرال اقتصادی جهانی ایستاده؛ نظمی که ۷۰ سال برای ایجاد آن تلاش کرده است.

او گفت: در گذشته وقتی آمریکا تحریمی را علیه ایران اعمال می‌کرد کشورهای دیگر از جمله کشورهای اروپایی نیز نه تنها بعضاً با او همراهی می‌کردند بلکه خودشان نیز تحریم‌های جدیدی را اعمال می‌کردند. از سوی دیگر تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران نیز بود که به نوعی به تحریم‌های غیرقانونی که علیه ایران وجود داشت مقبولیت جهانی می‌داد و آنها تحریم‌های غیرقانونی خود علیه ایران را در پرتو تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران به پیش می‌بردند ولی امروز آمریکایی‌ها نه تنها امکان آن را ندارند که بقیه کشورها و شرکت‌های اقتصادی را مجبور کنند که با تحریم‌های آنها همراهی کنند و علی‌رغم مصوبه شورای امنیت عمل کنند، بلکه می‌بینیم



اخبار بین الملل

عصر معدن /
۹۷/۰۵/۰۶

کاهش فروش کاترپیلار در بخش معدن

فروش کاترپیلار در بخش معدن کاهش یافته است.



به گزارش پایگاه خبری «عصر معدن»، کاترپیلار، سازنده ماشین آلات سنگین شماره ۱، اعلام کرد: خرده فروشی خود در سراسر جهان در مدت ۳ ماهه که در ماه ژوئن به پایان رسید، به میزان ۲۵ درصد افزایش داده است.

البته میزان فروش در بخش معدن کاهش یافته است. همچنین این شرکت ۴ درصد کاهش در بخش صنعتی در حوزه تجهیزات مانند بیل، بیل لودر چرخ بزرگ، کامیون معدن، دریل چرخشی و غیره را گزارش کرده است.

در مناطق، CAT نشان داد که فروش در منطقه آسیا ۳۷ درصد در طول دوره، ۲۹ درصد برای آمریکای لاتین، ۲۲ درصد برای آمریکای شمالی و ۱۹ درصد برای اروپا و خاور میانه افزایش یافته است.

این شرکت اعلام کرده است، فروش خود در صنعت نفت و گاز را افزایش می دهد.

عصر معدن /
۹۷/۰۴/۲۶

تدابیر حفاظتی هند برای نجات صنعت فولاد

هند آماده تحمیل «تدابیر حفاظتی» در صورت افزایش واردات فولاد است.



به گزارش پایگاه خبری «عصر معدن»، هند، که تا سال ۲۰۱۸ صادر کننده خالص فولاد بود، از زمان آغاز سال مالی ۱۹/۲۰۱۸ واردات را افزایش داد، و این در حالی است که واردات خالص برای دو ماه اول سال مالی است.

یک منبع دولتی روز سه شنبه در دهلی نو اعلام کرد که هند در حال برنامه ریزی برای تحمیل «تدابیر حفاظتی» بر روی واردات فولاد است اگر حجم وارد شده به کشور از یک سطح مشخص فراتر رود.

این منبع تدابیری را که تدابیر حفاظتی را تشدید خواهد کرد را مشخص نکرد، اما گفت که این گامها مورد بحث بودند.

عصر معدن /
۹۷/۰۵/۰۳

همکاری عربستان و جنرال الکتریک در معدن آغاز می شود

همکاری شرکت معادن عربستان و جنرال الکتریک برای استقرار راه حل های دیجیتال در صنعت و معدن آغاز می شود.

به گزارش پایگاه خبری «عصر معدن»، شرکت معدنی عربستان سعودی «معادن» و جنرال الکتریک تفاهم نامه ای استراتژیک برای کشف فرصت های استقرار راه حل های دیجیتال پیشرو در سراسر عملیات معدنی در سراسر جهان، از جمله سایت هایی که بر روی طلا، مس، آلومینیوم و فسفات متمرکز شده اند، امضا کردند.

جنرال الکتریک متعهد به مشاوره و برنامه های کاربردی تبدیل دیجیتال، و همچنین فرصت های رهبری و آموزش برای کارمندان معادن شد.

شرکت معدنی عربستان سعودی برای حفظ موقعیت رقابتی خود در جهان به دنبال شراکت هایی به منظور دستیابی به فرصت های موجود در دیجیتال سازی و نوآوری است و در کاربرد تکنولوژی های پیشگام در عملیات های خود سرمایه گذاری خواهد کرد تا شرکت را به عنوان یک رهبر جهانی معدن تقویت کند.

راه حل های استخراج دیجیتال جنرال الکتریک به حوزه های خاصی در شرکت معادن از جمله راهکارهایی برای کاهش هزینه سوخت و مصرف، کاهش هزینه های نگهداری و بهره وری، و افزایش بهره وری و بهره وری در طول عملیات، نگاه خواهد کرد.

Darren Davis، مدیر عامل اجرایی در رابطه با این مشارکت گفت: پادشاهی عربستان سعودی آرمان های عالی برای استقرار فن آوری جدید و دیجیتال سازی چشم انداز صنعتی در کشور دارد.



اخبار اقتصادی

خبرگزاری مهر /
۹۷/۰۵/۰۹

خوانساری اعلام کرد: آغاز پایش کارت‌های بازرگانی توسط اتاق تهران

رئیس اتاق تهران از آغاز پایش کارت‌های بازرگانی از سوی اتاق بازرگانی تهران خبر داد.



به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از اتاق بازرگانی تهران، مسعود خوانساری در واکنش به اتفاقات روزهای گذشته و به منظور هرچه بیشتر شفاف‌سازی و جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده و تقلب اعلام کرد که اتاق تهران از هفته گذشته، فرایند پایش کارت‌های بازرگانی صادر شده توسط خود را آغاز کرده است.

رئیس اتاق تهران با تاکید بر این که همواره تمام مراحل قانونی صدور و تمدید کارت بازرگانی در این اتاق به طور کامل اجرا شده است گفت: با توجه به سیاست‌های ارزی جدید، اقبال به دریافت کارت بازرگانی بسیار زیاد شد و این هجوم که ناشی از تلاش برای دریافت ارز دولتی بود، ادامه مطلب در صفحه بعد

کالا ادامه می‌دهیم تا به رونق بخشی این صنایع کمک کنیم. وی تصریح کرد: حمایت از تولید در فضای غیرشفاف امکان‌پذیر نیست و از طریق بورس کالا می‌توان توازن میان عرضه و تقاضا و حمایت از تولید را مهیا کرد، بر این اساس، در ابتدای راه‌اندازی بورس کالا، ورزات صنعت مجری طرح بود و در ادامه با حمایت کامل مجموعه دولت و وزارت اقتصاد و صنایع، تابلویی شفاف در مقابل همگان قرار گرفت.

کرباسیان گفت: به طور طبیعی نمی‌توان برخلاف اوضاع اقتصادی کشور، انتظارات غیرمنطقی از روند معاملات بورس کالا داشته باشیم؛ چراکه این بورس، آینه بخش واقعی اقتصاد است؛ همچنین بورس کالا به سیاست‌های ارزی و ریالی کشور، مبادلات مالی، مقررات صادرات واردات و غیره مرتبط است که با این وجود، عملکرد بورس کالا در راستای تنظیم بازارها و ایجاد سلامت در اقتصاد کشور مطلوب بوده است.

به گفته معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت، بورس کالا جایگاه مهمی در اقتصاد کشور پیدا کرده و قصد داریم به منظور ایجاد شفافیت، محصولات جدیدی را در بورس عرضه کنیم.

کرباسیان افزود: گسترش بورس کالا طی سال‌های اخیر و عرضه کالاهای مختلف از طریق آن نشان می‌دهد که بورس کالا می‌خواهد به بازاری بزرگتر و حتی بین‌المللی تبدیل شود؛ بنابراین باید به این بازار بها داد و دستش را برای حرکت در مسیر قواعد اقتصاد آزاد و مکانیسم بازار باز گذاشت؛ از این رو نهادهای بالادست باید جسارت بیشتری به مدیران بورس کالا بدهند تا بتوانند نقش خود را به خوبی در اقتصاد کشور ایفا کنند.

وی گفت: اگر می‌خواهیم از فساد و رانت خارج شویم، باید شفاف سازی کنیم؛ در کشورهای پیشرفته مقررات را ساده می‌کنند و همین موضوع موجب می‌شود رانتی وجود نداشته باشد در کشور ما به دلیل مقررات پیچیده رانت هم بیشتر است. در حقیقت به هر میزان که شفافیت و سلامت اقتصادی افزایش یابد، به همان میزان آرامش و ثبات اقتصادی رشد و فساد کاهش می‌یابد و زمینه جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی بیشتر فراهم می‌آید. —

مخالفتان بورس کالا از شفاف سازی آسیب می‌بینند

معاون وزیر صنعت گفت: بورس دارای مخالفانی است که از شفاف سازی مبادلات کالاها آسیب می‌بینند و دیگر رانتهای برای آنها وجود ندارد؛ از این رو حمایت از بازار سرمایه و بورس کالا جزو سیاست‌های دولت است.



معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت عنوان کرد: مزیت‌های بورس کالا به عنوان بستری شفاف برای مبادلات کالاها، باعث شده تا عرضه انواع محصولات از جمله فولاد و پتروشیمی‌ها در این بازار به نفع تولیدکننده و مصرف‌کننده واقعی باشد و اگر رضایتی از بورس کالا وجود ندارد، به نارضایتی عده‌ای رانت خوار برمی‌گردد.

معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت با بیان این که حمایت از بازار سرمایه و به ویژه بورس کالا، جزو سیاست‌های دولت است، گفت: بورس کالای ایران به عنوان بازاری هدفمند، نقش مهمی در توسعه و رونق بخشی به صنایع مختلف ایفا کرده و می‌کند، بنابراین ما نیز در جایگاه خود در راستای این سیاست‌ها، به همکاری نزدیک در حوزه معدن و صنایع معدنی به ویژه حوزه فولاد و مس با بورس



ممکن بود شرایطی ایجاد کند که سوءاستفاده‌هایی نیز شکل بگیرد. در نتیجه اتاق تهران خود تصمیم گرفت تا کار پایش مجدد را آغاز کند. خوانساری ادامه داد: در این پایش مجدد، تمام افرادی که دارای کارت بازرگانی بوده اما آدرس یا شماره تلفن و سایر مدارک ارائه شده توسط آنها با واقعیت تطبیق نداشته باشد، به فوریت مسدود خواهد شد و در صورت مشاهده هر تخلفی، متخلفان به مراجع ذی‌ربط معرفی خواهند شد. رئیس اتاق تهران هم‌چنین با اشاره به محدودیت‌هایی که به تازگی از سوی دولت برای کاربرد کارت بازرگانی اعمال شده است، تاکید کرد که پایش این مساله در حیطه مسوولیت‌های اتاق نیست مگر این که اطلاعات مربوط به تخصیص‌های صورت گرفته از ابتدای سال در اختیار اتاق قرار گیرد. خوانساری از بانک مرکزی درخواست کرد که کلیه گشایش‌هایی که از ابتدای سال صورت پذیرفته، به اتاق تهران اعلام شود تا برابر مصوبه دولت مبنی بر محدودیت در سقف کارت‌های یکساله و دوساله اقدام مقتضی صورت پذیرد. لازم به ذکر است، برابر محدودیت‌هایی که دولت در کاربرد کارت‌های بازرگانی وضع کرده است دارند کارت بازرگانی در سال اول تا سقف ۵۰۰ هزار دلار و در صورت عملکرد مثبت در سال دوم تا سقف دو میلیون دلار اجازه واردات کالا دارند

خبرگزاری ایرنا/

۹۷/۰۵/۰۹

معدن کاران مناطق روستایی بیمه نامه اعتباری دریافت می‌کنند

کمیسیون معادن و صنایع معدنی اتاق ایران اعلام کرد: برپایه تعامل با صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی، معادن کوچک و متوسط می‌توانند با استفاده از تسهیلات صندوق توسعه ملی در طرح اشتغال‌زایی پایدار روستایی و عشایری، از بیمه‌نامه‌های اعتباری این صندوق استفاده کنند.

به گزارش روز سه شنبه ایرنا از اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، توافق‌نامه «حمایت از توسعه و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری با استفاده از صندوق توسعه ملی در بخش معدن و صنایع معدنی» که اسفندماه پارسال بین سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو)، وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی، وزارت صنعت، معدن و تجارت و معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم نهاد ریاست جمهوری به امضا رسید، امکان استفاده معدن کاران و دارندگان سایت فرآوری از منابع اختصاص یافته در قانون «حمایت، توسعه و ایجاد اشتغال پایدار» را فراهم کرده است.

همچنین بر اساس مذاکره‌های انجام شده کمیسیون معادن و صنایع معدنی اتاق ایران با صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی، معادن کوچک و متوسط می‌توانند با ثبت‌نام در سامانه «کارا» از تسهیلات تخصیص یافته از سوی صندوق توسعه ملی به این طرح، بهره‌مند شده و از بیمه‌نامه‌های اعتباری استفاده کنند. علاوه بر این صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی نیز اقدام به صدور بیمه‌نامه‌های اعتباری بهره‌بردار فرآوری معادن کرده و در این چارچوب چنانچه متقاضیان ثبت‌نام شده در سامانه کارا که در حال تکمیل مدارک برای بانک هستند، مشکلی در تامین وثیقه‌های خود داشته باشند می‌توانند به این صندوق بیمه مراجعه کنند.

صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی اعلام کرده است: متقاضیانی که از این به بعد برای استفاده از تسهیلات توافق‌نامه «حمایت از توسعه و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری با استفاده از صندوق توسعه ملی در بخش معدن و صنایع معدنی» در سامانه کارا ثبت‌نام کنند، باید پس از پایان بررسی‌های استانی، مستقیم برای تکمیل مدارک و همچنین ارزیابی طرح‌های ارائه شده به این صندوق مراجعه کنند.

بر اساس این گزارش، اسفندماه پارسال توافق‌نامه همکاری حمایت از توسعه و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی در بخش معدن و صنایع معدنی با هدف بهره‌مند شدن معادن و صنایع معدنی به امضا

رسید. موضوع توافق‌نامه استفاده مناسب از توانایی‌های ستادی، آماری، فنی و مالی برای انجام وظایف مشخص شده در آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از توسعه و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی عشایری توسط وزارت صنعت، به‌منظور استفاده از منابع مشخص شده در آیین‌نامه اجرایی در زمینه معادن کوچک و فرآوری‌های معدنی است.

مدت اعتبار توافق‌نامه از تاریخ امضا تا پایان برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۴۰۰ - ۱۳۹۶) بوده و در صورت توافق طرفین در چارچوب مقررات مربوطه قابل تمدید است.

دنیای اقتصاد/

۹۷/۰۵/۰۶

سردرگمی صادرات در فضای مبهم

اعضای کمیسیون توسعه صادرات اتاق ایران در تازه‌ترین نشست هم‌اندیشی خود، باز هم دغدغه‌هایشان را با توجه به سیاست‌های ارزی کشور عنوان کردند. شفاف نبودن بخشنامه‌های ارزی که همواره یکی از دغدغه‌های فعالان اقتصادی بود، بالاخره در این نشست مورد تایید رئیس سازمان توسعه تجارت واقع شد. متولی تجارت اذعان کرد که ضعف دولت در اطلاع‌رسانی، بازرگانان را سردرگم کرده است.

از سویی رئیس کمیسیون توسعه صادرات اتاق بازرگانی ایران هم نامه‌ای خطاب به خسرو تاج ارائه داد که براساس آن خواستار مستثنی شدن صادرکنندگان بخش خصوصی واقعی که ۲۰ درصد از صادرات کشور را انجام می‌دهند، از تمام بخشنامه‌های ارزی شد. البته این درخواست پیش از این نیز در محافل مختلف مطرح شده بود. شنیده می‌شود واکنش رئیس سازمان توسعه تجارت نسبت به این درخواست تا حدی مثبت بوده و احتمال دارد بازنگری‌هایی در این زمینه صورت گیرد.

ادامه مطلب در صفحه بعد



اخبار اقتصادی

نشست ماهانه کمیسیون توسعه صادرات اتاق ایران با حضور مجتبی خسرو تاج، معاون وزیر صنعت و رئیس سازمان توسعه تجارت برگزار شد. او با انتقاد از عملکرد دولت در اطلاع‌رسانی، این موضوع را از مهم‌ترین عوامل سردرگمی تجار و بازرگانان در شرایط فعلی دانست.

عدنان موسی‌پور رئیس کمیسیون صادرات اتاق ایران نیز با اشاره به مکاتبات صورت گرفته در ارتباط با بخشنامه‌های اخیر ارزی دولت، به‌خصوص بخشنامه کاهش زمان بازگشت ارز صادرکنندگان به کشور از ۶ ماه به ۲ ماه، تاکید کرد: با توجه به تنوع صادرات، مقاصد کالایی و همچنین مشکلات مربوط به انتقال پول، عملاً این کار غیرممکن است و باید این بخشنامه برای صادرکنندگان بخش خصوصی واقعی لغو شود.

مشکلات مربوط به مالیات، ثبت دفاتر و عدم اعتماد تجار و فعالان بخش خصوصی به عمل دولت در خصوص معافیت‌های صادراتی و همچنین تقاضای بازگشت معاملات به چارچوب صرافی‌ها با هدف کاهش هزینه‌ها از دیگر موضوعات مطرح شده توسط اعضای کمیسیون توسعه صادرات اتاق ایران در حضور مجتبی خسرو تاج رئیس سازمان توسعه تجارت بود.

البته درخواست صادرکنندگان بخش خصوصی در قالب نامه‌ای خطاب به رئیس سازمان توسعه تجارت، به وی داده شد. در این نامه آمده است: «در وضعیتی که کشور روزهای سختی را با توجه به نزدیک شدن به شرایط تحریمی به‌خصوص در کسب و انتقال درآمدهای ارزی پیش‌رو خواهد داشت، صادرکنندگان بخش خصوصی می‌توانند نقش بی‌بدیلی در پیشبرد صادرات و ارزآوری کشور ایفا کنند.

در تصمیم‌گیری صادرکنندگان بخش خصوصی و در نتیجه تمایل به توقف جریان صادرات آنها شده است.» در این نامه به مشکلات ناشی از کاهش زمان بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی کشور از ۶ ماه به ۲ ماه نیز اشاره شده و چنین آمده است: «اجرای این ابلاغیه موجب اخلاص جدی در امر صادرات خواهد شد.

بسیاری از اقلام صادراتی کشور جهت حفظ رقابت‌پذیری به‌صورت فروش اقساطی، بلندمدت و امانی در کشورهای هدف عرضه می‌شود و حتی در بسیاری از فروش‌های نقدی نیز پرداخت مشتریان با یک وقفه زمانی و پس از تشریفات حمل و تهیه اسناد مربوطه صورت می‌پذیرد. با توجه به موارد ذکر شده، اجرای این ابلاغیه باعث کاهش قدرت چانه‌زنی صادرکنندگان و رقابت‌پذیری محصولات صادراتی خواهد شد.

همچنین در این نامه ضمن اشاره به شرایطی که به‌واسطه تحریم‌های خارجی و مشکلات صادرات محصول از مبدا ایران ایجاد شده است، عنوان شده است: «این ابلاغیه و موارد مشابه قبلی آن، نه تنها موجب توسعه صادرات غیرنفتی کشور نمی‌شود، بلکه حفظ سهم کنونی این بخش از صادرات کشور و تداوم رابطه با شرکای تجاری را نیز با چالش جدی مواجه می‌سازد.

بنابراین از آنجا که تحت این شرایط انتظار می‌رود سیاست‌گذاری‌های داخلی، آزادی عملی حتی بیش از گذشته را برای صادرکنندگان واقعی بخش خصوصی (گروه سوم) فراهم کند، خواهشمند است دستور معافیت این گروه از تمامی محدودیت‌های ایجاد شده در ابلاغیه‌ها و بخشنامه‌های اخیر صادراتی و ارزی را صادر فرمایید.» در ادامه این نشست، خسرو تاج به ارائه گزارشی از نحوه تخصیص و ورود ارز به کشور در قالب بخشنامه‌های ارسالی پرداخت.

جمع‌بندی این گزارش نشان می‌دهد صادرکنندگان و اتحادیه‌ها با سه مشکل عمده مواجه هستند که عبارتند از: «غیرواقعی بودن

نرخ ارز مینا از ۴۲۰۰ تومان»، «بی‌ثباتی سیاست‌های ارزی و مشکلاتی که به‌واسطه آن برای اعلام قیمت محصول به خریدار ایجاد می‌شود» و «تخفیف‌هایی که صادرکنندگان مجبورند به خریداران بدهند که گاهی قیمت واقعی کمتر از قیمت پایه می‌شود و سازمان امور مالیاتی این مساله را نمی‌پذیرد.» مشکلاتی نیز در خصوص قیمت‌گذاری کالاهای صادراتی مطرح است که مهم‌ترین آن «عدم شفافیت قانونی در خصوص تعهدات ارزی و نرخ ارز»، «حجم بالای درخواست‌های سال ۹۷ به دلیل سیاست‌های ارزی و تجاری اخیر» و «اعمال نفوذ مقامات دیگر از جمله فشار توصیه‌های سیاسی» است.

این گزارش به قدم‌های در دست اجرا هم اشاره دارد که در آن به یک مورد اشاره شده است: «پیشنهاد کنترل آنلاین واردات برای همه محموله‌ها از حیث قیمت جهت جلوگیری از بیش‌اظهاری یا اشتباه ارزیابی ناظران که با کمک تعریف کلید جدید بین مرحله ثبت سفارش و مرحله تامین ارز ممکن است.»

لزوم تغییر نگرش در انتخاب رایزنان بازرگانی

در ادامه این نشست، موسی‌پور با انتقاد از فرآیند انتخاب رایزنان بازرگانی در کشورهای هدف بیان کرد: عدم اطلاع این افراد از مبانی اولیه رایزنی، یکی از مهم‌ترین انتقادات است. او خواستار تغییر نگرش در انتخاب رایزنان شد و پیشنهاد داد تا اعزام رایزنان افتخاری از طریق بخش خصوصی انجام شود. خسرو تاج با تاکید بر لزوم تعامل دولت و بخش خصوصی در رابطه با موضوع اعزام رایزنان بیان کرد: اعزام رایزن افتخاری منوط به تعریف حدود اختیارات و مسؤلیت‌های رایزن توسط وزارت امور خارجه است.



تعیین اهداف مشخص

دنیای اقتصاد /

۹۷/۰۵/۰۶

عباس عبدی / روزنامه نگار

چالش‌های تصمیم‌گیری در ایران چیست؟ شاید تحلیل همین مساله در جامعه ما برای فهم آنچه که در کشور می‌گذرد کافی باشد. تصمیم‌گیری یعنی تحلیل جامع موقعیت و طرح چند راه و انتخاب یکی از آنها بر اساس هدف تعیین شده. این رویداد یا فردی رخ می‌دهد یا به صورت جمعی و مبتنی بر اهداف تعیین شده است. هر کدام از این مولفه‌ها (تعیین هدف، تحلیل موقعیت، تدوین چند سناریو و انتخاب گزینه بهتر) در ایران دچار اختلال است. ولی این اختلال ریشه در برخی از ویژگی‌ها دارد که به آنها اشاره می‌کنم.

۱- شکاف قدرت و مسوولیت

بدیهی‌ترین ویژگی زمینه‌ای و شرط لازم و نه کافی برای شکل‌گیری یک تصمیم موثر، تطابق قدرت و مسوولیت است. یعنی در هر ساختار مدیریتی و تصمیم‌گیری هر کس به تناسبی که مسوولیت دارد، دارای قدرت نیز باشد. اگر قدرت در جایی متمرکز شود و مسوولیت در جای دیگری باشد، غیر ممکن است که تصمیم درست و موثری بتوان اتخاذ کرد. در جامعه ایران این شکاف به وضوح عمیق است. افراد و نهادهایی دارای قدرت هستند، بدون اینکه مسوولیت مستقیمی را عهده‌دار باشند.

نهادهای غیرمسوولی که بی‌حد و اندازه در تصمیمات دخالت می‌کنند، بدون آنکه در برابر نتایج این تصمیمات مسوولیتی را بپذیرند، از همین رو است که بسیاری از مسوولان و افراد دارای قدرت ایرانی از ادبیات غیر پاسخگو استفاده می‌کنند و در مقام پرسشگر و مدعی و حتی اپوزیسیون ظاهر می‌شوند. وجه دیگر این شکاف، در دخالت مقامات مافوق در اختیارات مسوولان زیر دست و حتی مستقل است و بدون اینکه مسوولیتی بپذیرند، استقلال مدیریت را مخدوش می‌کنند.

۲- فقدان نگاه سیستمی

تصمیم‌گیری به‌ویژه در سطح کلان جامعه، جز از طریق نگاه سیستمی میسر نیست. خودرو یک

سیستم است و مجموعه اجزای آن باید تحت کنترل و هدایت راننده باشد، در حالی که در ایران به راحتی می‌توانیم، فرمان و گاز را به یک نفر بدهیم و کلاچ و ترمز را به دیگری بدهیم. سرنوشت چنین رانندگی از پیش معلوم است. در حقیقت نه تنها میان قدرت و مسوولیت نباید شکاف باشد، بلکه اجزای قدرت نیز باید همسو و مکمل یکدیگر و در ذیل یک سیستم تعریف شوند، در غیر این صورت جز خنثی کردن اثرات یکدیگر، کار دیگری نمی‌توانند انجام دهند و انجام هم نمی‌دهند.

۳- ناپایداری متغیرها

یکی از بدترین ویژگی‌های ساختار سیاسی و اجتماعی ایران برای شکل‌گیری یک نظام تصمیم‌گیری کارآمد، ناپایداری متغیرهای اساسی آن است. بخشی از این ناپایداری محصول بالا و پایین رفتن قیمت نفت و درآمدهای دولت بوده است که طی ۶۰ سال اخیر، همواره شاهد آن بوده‌ایم. نه فقط قیمت آن، بلکه کمیت تولید و فروش نیز در درآمدها اثرگذار بوده و در سال‌های اخیر با آغاز تحریم‌ها این مساله تشدید هم شده است.

بخش دیگری از این ویژگی منفی در روابط ناپایدار خارجی و بحران منطقه‌ای و جنگ و مشکلات انتقال پول و... است که کل جریان تصمیم‌گیری به‌ویژه ثبات آن در سطح کلان را دچار اختلال می‌کند.

و بالاخره ناپایداری‌های سیاسی در داخل کشور و غیر حزبی بودن نظام سیاسی موجب می‌شود که تصمیم‌گیری‌ها و نیز مدیریت‌ها به‌شدت تحت‌تاثیر این بی‌ثباتی سیاسی قرار گیرند و تغییرات سیاسی در این چارچوب، تا حدی شبیه به نیمه انقلاب تعبیر می‌شوند. در چنین شرایطی معیارهای سیاسی و منافع فردی و گروهی بر خیر و نفع عمومی تقدم و اولویت پیدا می‌کند.

۴- شکاف اجرا و تصمیم

یکی دیگر از ویژگی‌های نظام تصمیم‌گیری در ایران که به‌طور عملی مفهوم تصمیم‌گیری را بلاموضوع می‌کند، فقدان سازوکار بازخورد تصمیمات است به این علت که اصولاً بسیاری از تصمیمات به اجرا در نمی‌آید و ضمانت اجرا نیز ندارد.

ادامه مطلب در صفحه بعد

یادداشت

تبيين اهداف مشخص

در نهایت به صورت غریزی عمل می کند و می کوشد که گزینه بقا را تامین کند و این پایین ترین سطح تصمیم گیری در یک جامعه جدید است.

قوانین گوناگونی نوشته می شود؛ ولی در نهایت آنچه که اجرا می شود لزوماً منطبق بر قانون نیست و کسی هم پیگیر اجرای آن نمی شود. نمونه روشن آن پرداخت یارانه ها بود که سه برابر رقم مصوب پرداخت شد و هیچ کس هم معترض این اجرای بی ربط با قانون نشد. اکنون هم کمتر از رقم مصوب قانونی پرداخت می شود و کسی معترض آن نیست. هنگامی که رابطه اجرا و تصمیم قطع شود، تصمیمات به سوی مفاهیم انتزاعی و غیر واقعی میل می کند و همین ویژگی موجب دورتر شدن آنها از الزامات میدان اجرا می شود.

۵- درآمدهای نفتی

یکی از عوامل مهم که همواره تصمیمات اتخاذ شده در ایران را دچار انحراف و ناکارآمدی کرده، وجود درآمدهای ناشی از نفت است. از همان برنامه پنجم شاه در سال های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ که با افزایش درآمدهای نفتی در میانه راه تغییر کرد گرفته تا کنون، همواره درآمدهای نفتی نقش مخربی را در نظام تصمیم گیری ایفا کرده است. به این معنا که با حمایت درآمدهای نفتی، نقش نیروی کارشناسی و متخصص در امر تصمیم گیری های علمی کمرنگ تر از گذشته شده است و با پول نفت چاله و چوله های ناشی از کاستی تصمیمات سیاسی را پوشانده اند.

۶- فقدان هدف

هر نظام تصمیم گیری نوعی انتخاب است. انتخاب نیز باید مبتنی بر هدف مفروض باشد. اگر ساختاری فاقد اهداف روشنی باشد، قادر نخواهد بود تصمیم مناسبی بگیرد. مشکل امروز ایران در سطح اهداف به نسبت روشن است. مردم و حکومت، اهداف یکسانی که دو طرف به تبعات آن ملتزم باشند، ندارند، به همین دلیل همه تصمیماتی که از جانب حکومت اتخاذ می شود، لزوماً مورد پذیرش عمومی قرار نمی گیرد. ولی مشکل مهم تر در فقدان هدف مشترک میان اجزای ساختار حکومتی است.

نه تنها هدف های مشترکی در این سطح وجود ندارد، چه بسا اهداف آنان متضاد است. در نتیجه کلیت ساختار از اتخاذ یک تصمیم واحد باز می ماند. «تاخیری» یا حتی «تقدیری» و باری به هر جهت بودن تصمیمات کلان در ایران، متأثر از این شکاف عمیق اهداف، میان اجزای ساختار قدرت است. ریشه این شکاف در واقعیت یا برداشت متناقض یا متضادی است که از قانون اساسی و مفهوم مشروعیت و ماهیت دولت در ایران وجود دارد. ساختار تصمیم گیری به دلیل مشکلات فوق و در امور مهم و حیاتی جامعه،





مقاله مدیریتی

باید به اربابان رایانه‌ای جدید خوشامد بگوییم

ترجمان /

نویسنده: الیزابت کولبرت

ترجمه: محمد معماریان

تصور ما از آینده خام و محدود است. سی سال پیش، امکان تأسیس شرکتی مثل گوگل وجود نداشت. کسی قبل از اختراع وب نمی‌توانست حتی تصویری از شرایط امروزی دنیا داشته باشد. بنابراین آینده‌نگری همیشه مخاطره‌آمیز است. با این حال، نشانه‌هایی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را تا نهایت منطقی‌شان دنبال کرد. اگر دنیای امروز به نهایت منطقی‌اش برسد، به چه روزی خواهیم افتاد؟ شاید نوعی فتودالیسم فناورانه جدید. تعداد انگشت‌شماری ارباب، میلیون‌ها روبات و میلیاردها انسان بی‌مصرف.

روایت‌های متعددی از اختراع واتسون ۱ وجود دارد. محبوب‌ترین این روایت‌ها، که البته لزوماً دقیق‌ترین روایت نیست و این هم در زمره مسائلی است که اغلب سر راه واتسون قرار می‌گیرد، در سال ۲۰۰۴ آغاز می‌شود، در یک استیک‌فروشی نزدیک پوکیسی. دم غروب، یکی از مدیران آی.بی.ام به نام چارلز لیکل آنجا داشت شام می‌خورد که متوجه شد میزهای دور و برش ناگهان خالی شده‌اند. آن‌هایی که با او در سالن نشسته بودند، به جای تمام کردن گوشت‌های راسته‌شان، با عجله رفتند سمت بار تا مسابقه تلویزیونی «مخاطره!» ۲ را تماشا کنند. چندین بُرد پیاپی نصیب کن‌جینگز شده بود که در نهایت رکورد ۷۴ پیروزی متوالی را ثبت کرد، و جماعت دور تلویزیون مسحور برنامه بودند. مدت زیادی نگذشته بود که لیکل در یک جلسه طوفان فکری شرکت کرد که در آن از شرکت‌کنندگان خواسته شد «چالش بزرگ» بعدی آی.بی.ام را پیشنهاد بدهند. او گفت که شرکت باید به مصاف جنینگز برود.

آی.بی.ام هفت سال پیش هم یک «چالش بزرگ» مشابه را با رایانه «آبی عمیق» انجام داده بود. آن ماشین در یک مسابقه شش‌مرحله‌ای، از گری کاسپاروف پیشی گرفت که آن زمان قهرمان بلامنازع شطرنج جهان بود. شاید به نظر اکثر افراد، شکست دادن کاسپاروف در شطرنج به مراتب خارق‌العاده‌تر از یافتن پاسخ مثلاً «مشهورترین اسم‌های کوچک» یا «پرنده‌های نماد ایالت‌ها» باشد. اما بازی شطرنج، قواعد کاملاً تعریف‌شده‌ای دارد. پایان باز سؤال‌های «مخاطره!» (با در حقیقت همان بلاهت این بازی)، برای ماشین مصافی بسیار مهیب‌تر است.

حرف ایده لیکل این طرف و آن طرف پیچید، رد شد، و در نهایت دوباره جان گرفت. در سال ۲۰۰۶، وظیفه ساخت یک قهرمان خودکار «مخاطره!» به تیمی سپرده شد که روی فناوری پاسخ به سؤالات موسوم به کیو.ای کار می‌کرد. بنا به روایت استفن بیکر در کتابش پیرامون این پروژه به نام مخاطره نهایی ۳، کار در ابتدا کند پیش می‌رفت. به این سرخ واقعی در «مخاطره!» توجه کنید: «در سال ۱۹۸۴، نوه‌اش بر دخترش پیشی گرفت و نخست‌وزیر شد». یک آدم به سرعت می‌فهمد که این سرخ به پدرسالار خاندانی سیاسی اشاره دارد، و با قدری شانس، ممکن است بپرسد: «نهر و کیست؟» ولی برای یک رایانه، این جمله دقیقاً باتلاق است. آیا دنبال یک نام می‌گردد؟ اگر بله، آیا نام نوه است یا دختر یا نخست‌وزیر؟ یا سؤال درباره جغرافیاست؟ یا تاریخ؟

در واتسون (که اساساً مجموعه‌ای از هسته‌های پردازشگر است) می‌توان تمام اطلاعات ویکی‌پدیا را بارگذاری کرد. ولی حتی برای شروع جستجو در این پایگاه داده عظیم، واتسون می‌بایست یک دو جین الگوریتم پیچیده را اجرا می‌کرد که برنامه‌نویسانش آن‌ها را «مجموعه تجزیه و تحلیل معنایی» نامیده بودند. این فرآیند صدها «فرضیه» قابل بررسی تولید می‌کرد.

پس از یک سؤال، چندین و چند مشکل واتسون حل می‌شد، اما مشکل اساسی باقی می‌ماند. چند ساعت طول می‌کشید تا واتسون پاسخ‌هایی را تولید کند که جنینگز در یک آن می‌یافت.

یک سال شد دو سال و بعد سه سال. سخت‌افزار واتسون به‌روز شد. این سامانه با بهره‌مندی از الگوریتم‌هایی که به آن امکان می‌داد

رایانه برای اینکه جای کار شما را بگیرد، لازم نیست کل طیف قابلیت‌های فکری‌تان را کپی کند؛ فقط باید آن چیزهای خاصی را انجام دهد که شما برای انجامشان پول می‌گیرید از خطاهایش درس بگیرد، در تجزیه پرسش‌ها و قضاوت درباره کیفیت پاسخ‌های نهایی خُبره‌تر شده بود. در سال ۲۰۰۹، آی.بی.ام آزمون ماشین در برابر شرکت‌کنندگان سابق «مخاطره!» را آغاز کرد که رتبه‌ای پایین‌تر از جنینگز داشتند. واتسون برخی را شکست داد، به برخی باخت، و هرازگاهی مایه خجالت خالقانش شد. در یک دور بازی، در پاسخ به سؤالی درباره ادبیات قرن نوزدهم بریتانیا، رایانه پت‌شاپ‌بویز (گروه پاپ دونفره دهه ۱۹۸۰) را پیشنهاد داد در حالی که پاسخ یور توئیست بود. ادامه مطلب در صفحه بعد



باید به اربابان رایانه‌ای جدید خوشامد بگوییم

در یک دور دیگر، در دسته «فقط بگو نه»، واتسون «کردن چیست؟» را پیشنهاد داد در حالی که پاسخ درست «نُج چیست؟» بود.

آی.بی.ام برای واتسون آرزوهایی و رای برنامه‌های پرسش و پاسخ در سر داشت. رایانه‌ای که می‌توانست با آشفستگی و پیچیدگی انگلیسی کنار بیاید، می‌توانست دنیای فناوری را متحول کند؛ رایانه‌ای که می‌توانست در فرآیند کارش عملکرد خود را بهبود ببخشد، می‌توانست تقریباً از پس هر چیز دیگر برآید. شرکت‌هایی مانند گوگل، مایکروسافت و آمازون برای سلطه بر حوزه ماشین‌های هوشمند رقیب آی.بی.ام بودند، و همچنان هستند. برای شرکت‌های درگیر ماجرا، پای میلیاردها دلار در میان بود، و همین درباره مابقی ما هم صادق است. مگر شرکتی هست که بخواهد یک گونه زنده کربن پایه آشفته و پیچیده را استخدام کند در حالی که یک اصلاح ریز نرم‌افزاری می‌تواند به همان خوبی از پس کار برآید؟

کن جنینگز، یا به یک تعبیر اولین کسی که واتسون از کار بیکار کرد، هنگامی که آن دوازدهم روزگار رودرو شدند، نتوانست جلوی وسوسه طعنه‌زدن به واتسون را بگیرد. در ژانویه ۲۰۱۱، جنینگز و یک قهرمان سابق دیگر به نام برد راتر مسابقه‌ای دوبرحله‌ای با رایانه دادند که در یک روز ضبط شد. کار که به مرحله نهایی «مخاطره نهایی» رسید، آدم‌ها آن قدر عقب مانده بودند که از همه جهت کارشان تمام بود. هر سه مسابقه‌دهنده به پاسخ درست آن سرخ رسیدند: یک اثر جغرافیایی گمنام که الهام‌بخش رمان نویسی قرن نوزدهمی بود. جنینگز زیر پاسخش («برام استوکر کیست؟») یک پیغام اضافه کرد: «من به نوبه خودم به اربابان رایانه‌ای جدید خوشامد می‌گویم».

چقدر طول می‌کشد تا یک رایانه شما را هم از کار بیکار کند؟ این پرسش سوژه تعدادی کتاب جدید بوده است که عناوینشان انگار نسخه‌های متنوع یک مضمون واحدند: صنایع آینده ۴، آینده حرفه‌ها ۵، ابداع آینده ۶. مؤلفان این آثار در حوزه‌های متفاوتی مشغول کارند (حقوق، مالیه، نظریه سیاسی)، ولی همگی به نتیجه‌ای کامابیش مشابه رسیده‌اند. چقدر طول می‌کشد؟ خیلی طول نمی‌کشد.

«آیا فرد دیگری با مطالعه سوابق تفصیلی هر کاری که شما در گذشته انجام داده‌اید، می‌تواند یاد بگیرد که کار شما را بکند؟» این سؤال را مارتین فورد، طراح نرم‌افزار، در اوایل کتاب اوج‌گیری روبات‌ها: فناوری و تهدید یک آینده بی‌شغل ۷ می‌پرسد و ادامه می‌دهد: «یا آیا یک نفر می‌تواند با تکرار کارهایی که شما تا الان به سرانجام رسانده‌اید خُبره کار شود، شبیه دانشجویی که آزمون‌های آزمایشی می‌دهد

تا برای امتحان آماده شود؟ اگر جواب مثبت است، پس به احتمال زیاد روزی هم می‌رسد که یک الگوریتم بتواند یاد بگیرد بخش عمده یا همه کار شما را انجام بدهد».

فورد کمی بعد می‌نویسد: «رایانه برای اینکه جای کار شما را بگیرد، لازم نیست کل طیف قابلیت‌های فکری‌تان را کپی کند؛ فقط باید آن چیزهای خاصی را انجام دهد که شما برای انجامشان پول می‌گیرید». او به یک مطالعه محققان آکسفورد در سال ۲۰۱۳ اشاره می‌کند که نتیجه گرفته بود تقریباً نیمی از کل شغل‌های ایالات متحده «بالقوه قابل خودکارسازی»، آن هم شاید ظرف «یکی دو دهه»، هستند. (آن مطالعه می‌گفت که «حتی کار مهندسان نرم‌افزار هم شاید به زودی تا حد زیادی قابل رایانه‌ای شدن شود»).

البته «تهدید آینده‌ای بدون شغل» تهدیدی قدیمی است که قدمتش یک شغل که محو می‌شد، شغل دیگری به وجود می‌آمد. اشتغال از مزارع و کارخانه‌ها به کارگاه‌ها و دفاتر، و بعد به اتاقک‌های شخصی در دفاتر و مراکز تماس تلفنی انتقال پیدا کرد تقریباً به قدر پدیده فناوری است. اولین ماشین بافندگی ابتدایی، موسوم به «شاسی جوراب‌بافی»، را در اواخر قرن هجدهم، یک روحانی به نام ویلیام لی ابداع کرد. او که می‌خواست امتیاز نوآوری‌اش را بگیرد، کارکرد ماشین را به ملکه الیزابت اول نشان داد. ملکه که نگران بود کارگران دستباف بیکار شوند، تقاضای او را نپذیرفت. در اوایل قرن نوزدهم، یک نسخه استادانه‌تر از شاسی جوراب‌بافی، آماج خشم لودیت‌ها قرار گرفت؛ در شهرهایی مانند لیورسج و میدلتون در شمال انگلستان، کارخانه‌های نساجی غارت شدند. پارلمان در واکنش به این اتفاقات، حکم اعدام برای جرم «شاسی‌شکنی» وضع کرد و ورود ماشین‌ها به صنعت ادامه یافت. هر فناوری جدیدی، جای طبقه جدیدی از کارگران را گرفته است: اول بافندگان، بعد کشاورزان، سپس ماشین‌کارها. دنیایی که امروزه می‌شناسیم، محصول این موج‌های متوالی جانشینی است، و همچنین محصول جنبش‌های اجتماعی و هنری‌ای که از آن جانشینی‌ها الهام گرفته‌اند: رمانتیسم، ترقی خواهی، کمونیسم.

در این میانه، اقتصاد جهانی به رشد خود ادامه داد که علت اصلی‌اش همین ماشین‌های جدید بودند. یک شغل که محو می‌شد، شغل دیگری به وجود می‌آمد. اشتغال از مزارع و کارخانه‌ها به کارگاه‌ها و دفاتر، و بعد به اتاقک‌های شخصی در دفاتر و مراکز تماس تلفنی انتقال پیدا کرد. ادامه مطلب در صفحه بعد



باید به اربابان رایانه‌ای جدید خوشامد بگوییم

می‌شوند و در مسیر خود کل ارقام یک قفسه را می‌آورند و می‌برند. آمازون اکنون حداقل سی هزار تا از این روبات‌ها را در مراکز اجرایی خود به کار گرفته است. جف بزوس، رییس چون ما دنیا را با چشمان انسانی می‌بینیم و با دست‌های انسانی حس می‌کنیم، درک ناکامی‌های روبات‌ها برایمان دشوار است. آمازون، اخیراً در صحبت‌هایش از موج بعدی خودکارسازی گفت: «احتمالاً هر قدر هم درباره عظمت تأثیری بگوییم که ظرف بیست سال آینده بر جامعه‌مان خواهد گذاشت، اغراق نکرده‌ایم».

همین اواخر، تیمی از محققان در دانشگاه برکلی شروع به طراحی روباتی کردند که می‌توانست حوله‌ها را تا کند. روباتی که ساختند بسیار شبیه رُزی بود، همان روبات خدمتکار سریال جتسونز، البته منهای کلاه سفید آهار کشیده‌اش. دو دوربین روی «سر» آن و دو دوربین دیگر بین بازوهایش نصب شده بود. هر بازو می‌توانست به بالا و پایین و به دو طرف بچرخد، و به یک «گیره» شبیه گازانبر هم مجهز بود که آن هم مثل بازوها می‌چرخید. این روبات قرار بود حوله‌های رها شده را به یک دسته حوله‌تاشده تبدیل کند. روبات زود یاد گرفت که چگونه حوله را بگیرد، اما یافتن گوشه‌های حوله برایش خیلی دشوارتر بود. وقتی محققان این روبات را با یک دسته حوله‌های مناسب آزمودند، نتیجه کار از منظر کاربردی فاجعه بود. به طور متوسط ۲۴.۵ دقیقه طول می‌کشید تا روبات یک حوله را تا کند، یا به عبارتی منظم کردن یک دسته ۲۵ تایی از حوله‌ها ۱۰ ساعت طول می‌کشید.

علی‌رغم باهوش تر شدن روبات‌ها، برخی وظایف همچنان آن‌ها را سردرگم می‌کند. اریک برینجولفسن و اندرو مک‌افی، محققان دانشگاه ام‌آی‌تی، در کتاب عصر دوم ماشین: کار، پیشرفت و رونق در زمانه فناوری‌های مستعد، چنین تعبیری دارند: «در حال حاضر، ماشین‌ها در بالا رفتن از پله‌ها، برداشتن یک تکه کاغذ از کف زمین، یا فهم اشاره‌های عاطفی یک مشتری سرخورده چندان خوب عمل نمی‌کنند». چون ما دنیا را با چشمان انسانی می‌بینیم و با دست‌های انسانی حس می‌کنیم، درک ناکامی‌های روبات‌ها برایمان دشوار است. اما بنا به ادعای برینجولفسن و مک‌افی، این تلاش ارزشش را دارد چون ماشین‌ها و نقاط ضعفشان نکات زیادی را درباره وضعیت اقتصادی فعلی‌مان تبیین می‌کنند.

یک ماتریس با دو محور را در نظر بگیرید: یک محور با دو سر کارهای دستی یا شناختی، و یک محور با دو سر کارهای روتین یا غیرروتین. شغل‌ها را می‌توان در چهار ناحیه قرار داد: ادامه مطلب در صفحه بعد

تاریخ اقتصادی حاکی از آن است که این روند اساسی ادامه خواهد یافت: واتسون و تبارش شغل‌هایی را حذف کرده‌اند که جایشان را شغل‌های خلق شده در بنگاه‌های کارآفرینی می‌گیرند که هنوز تصور درست و درمانی از آن‌ها نداریم؛ اما در این میانه، رنج فراوانی هم تحمل خواهد شد. اگر تقریباً نیمی از شغل‌های ایالات متحده «بالقوه قابل خودکارسازی» هستند، و اگر این اتفاق بتواند ظرف «یکی دو دهه» بیافتد، با یک انقطاع اقتصادی در مقیاسی بی‌سابقه مواجهیم. تصور کنید کل دوره انقلاب صنعتی فشرده شده تا در حد عمر یک سگ شکاری شود.

و تازه همه این‌ها با فرض آن است که تاریخ تکرار شود. اگر نشود چطور؟ اگر شغل‌های آینده هم بالقوه قابل خودکارسازی باشند، چطور؟

فورد می‌گوید: «هر وقت بحث فناوری می‌شود، همیشه می‌گویند این بار فرق دارد. بالاخره نوآوری هم دنبال همین است».

جری کاپلن دانشمندی رایانه‌شناس و کارآفرین است که در استنفورد تدریس می‌کند. او در کتاب آدم‌ها تقاضای کار ندهند: راهنمای ثروت و کار در عصر هوش مصنوعی ۸ می‌گوید که چیدمان اکثر محل‌های کار متناسب با شیوه فکر آدم‌هاست. در انباری که پرسنلش آدم‌ها هستند، ارقام مشابه نزدیک یکدیگر گذاشته می‌شوند (چوب گردگیر کنار جارو کنار خاک‌انداز)، لذا متصدیان انبار به راحتی می‌توانند محلشان را به یاد بیاورند. رایانه‌ها نیاز به این ابزارهای کمکی حافظه ندارند؛ آن‌ها به گونه‌ای برنامه‌نویسی شده‌اند که بدانند هر چیز کجاست. لذا نظم انباری که برای روبات‌های کارگر سامان‌دهی می‌شود، منطبق با اصولی کاملاً متفاوت است، مثلاً چوب گردگیر کنار تفنگ چسب قرار می‌گیرد چون اغلب این دو با هم سفارش داده می‌شوند.

کاپلن می‌نویسد: «اکثر افراد وقتی به خودکارسازی فکر می‌کنند، معمولاً فقط جایگزینی ساده نیروی کار یا بهبود سرعت یا بهره‌وری کارگران را در نظر دارند، نه آن انقطاع گسترده‌تری که مهندسی دوباره فرآیندها رقم می‌زند». مهندسی دوباره فرآیندها یعنی هر قدر هم کسب‌وکار انبار گسترش پیدا کند، قرار نیست آدم‌های بیشتری استخدام کند چون فقط دست‌وپاگیر می‌شوند. شایان ذکر است که در سال ۲۰۱۲، آمازون یک شرکت روباتیک به نام کیوا را به هفتصد و پنجاه میلیون دلار خرید. روبات‌های وزنه‌بردار نارنجی‌رنگ این شرکت شکل مایکروفرهای بد اخلاق‌اند. آن‌ها روی زمین به سرعت جابجا



باید به اربابان رایانه‌ای جدید خوشامد بگوییم

دستی روتین، دستی غیرروتین، و... (دو نفر از همکاران برینجولفسن و مکافی در ام.آی.تی، دارن عاصم‌اوغلو و دیوید اوتور، نسخه‌ی صوری این تحلیل را در سال ۲۰۱۰ انجام دادند). شغل‌های خط مونتاژ در ناحیه‌ی دستی-روتین قرار می‌گیرند، و شغل‌های حوزه‌ی مراقبت‌های بهداشت و سلامت خانگی در حوزه‌ی دستی-غیرروتین. پیگیری موجودی کالاها در ناحیه‌ی شناختی-روتین قرار می‌گیرد، و خیال‌پردازی درباره‌ی یک کارزار تبلیغاتی در ناحیه‌ی شناختی-غیرروتین.

بالاترین دستمزدها به شغل‌های ناحیه‌ی آخر پرداخت می‌شوند: مدیریت صندوق پوشش ریسک، پیگیری قانونی ورشکستگی و تولید یک برنامه‌ی تلویزیونی، همگی شناختی و غیرروتین هستند. در همین حال، شغل‌های دستی-غیرروتین معمولاً کمترین دستمزد را دارند: خالی کردن لگن بیمار، نظافت میزها، تمیز کردن اتاق‌های هتل (و تا کردن حوله‌ها). شغل‌های روتین در کارگاه کارخانه یا اداره‌های حقوق یا حسابداری معمولاً مابین این دو هستند. و همین‌ها شغل‌هایی‌اند که ساده‌تر از همه به چنگ روبات‌ها می‌افتند.

در کارزار انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر، حرف‌های زیادی (عموماً انتقادی) درباره‌ی توافقات تجاری مانند نفتا (قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی) و تی.پی.پی (پیمان تجاری اقیانوس آرام) زده شد. استدلالی که هر دوی برنی سندرز و دونالد ترامپ می‌آوردند آن بود که این توافقات به ضرر کارگران طبقه‌متوسط است چون شرکت‌ها را تشویق می‌کند که شغل‌هایشان را به کشورهایی مانند چین و مکزیک منتقل کنند که دستمزدها در آنجا پایین‌تر است. ترامپ عهد بسته است که درباره‌ی مفاد نفتا دوباره مذاکره در سال ۲۰۱۴، فیس‌بوک واتس‌آپ را به قیمت ۲۲ میلیارد دلار خرید. در آن برهه، کل تعداد کارکنان این شرکت پیام‌رسان ۵۵ نفر بود.

کند و از تی.پی.پی بیرون بیاید، و تهدید کرده است که برای کالاهای ساخته‌شده توسط شرکت‌های آمریکایی در خارج هم تعرفه وضع کند. او اعلام کرده است: «در ریاست‌جمهوری ترامپ، کارگر آمریکایی بالاخره رییس‌جمهوری خواهد داشت که از او حفاظت خواهد کرد و برای او خواهد جنگید».

به روایت برینجولفسن و مکافی، این حرف‌ها از نکته‌ی اصلی غافل‌اند: پاره‌کردن توافقات تجاری برای حفظ شغل‌ها مثل آن است که به زخم سر زانو بیاندازید. خودکارسازی صنایع چین هم اگر سریع‌تر از صنایع ایالات متحده پیش نرود، حداقل همان سرعت را دارد. فاکس کان، بزرگ‌ترین شرکت تولید سفارشی قطعات الکترونیک دنیا که با کارخانه‌هایی اندازه‌ی یک شهر و شرایط نامساعد کاری‌اش مشهور

شده است، قصد دارد با خودکارسازی تا سال ۲۰۲۰ یک سوم موقعیت‌های شغلی خود را حذف کند. روزنامه‌ی ساوث‌چایننا مورنینگ‌پست اخیراً گزارش داد که به لطف سرمایه‌گذاری سنگین روی روبات‌ها، این شرکت هم‌اکنون موفق شده است نیروی کار خود در کارخانه‌اش در کونشان (نزدیک شانگهای) را از ۱۱۰ هزار نفر به ۵۰ هزار نفر کاهش بدهد. یکی از مسئولان کونشان به این روزنامه گفت: «احتمالاً شرکت‌های بیشتری نیز همین مسیر را پیش می‌گیرند».

برینجولفسن و مکافی می‌نویسند: «اگر به نوع کارهایی نگاه کنید که در بیست سال اخیر به کشورهای دیگر برون‌سپاری شده‌اند، می‌بینید که معمولاً روتین هستند. این‌ها دقیقاً همان شغل‌هایی‌اند که خودکارسازی‌شان ساده‌تر از بقیه است». آن‌ها استدلال می‌کنند که برون‌سپاری فرامرزی غالباً نوعی «ایستگاه بین‌راهی» در مسیر حذف کامل آن شغل‌هاست.

فورد در اوج‌گیری روبات‌ها این استدلال را یک گام پیش‌تر می‌برد. او اشاره می‌کند که یک «روند معنادار بازگردانی» در جریان است. بازگردانی، هزینه‌های حمل‌ونقل و زمان لازم برای رساندن طرح‌های جدید به بازار را کاهش می‌دهد. اما فایده‌ای به حال اشتغال ندارد چون عملیات‌هایی که به ایالات متحده بازگردانده می‌شوند عمدتاً خودکار شده‌اند. همین نیز دلیل اصلی شکل‌گیری روند بازگردانی است: وقتی از دست مزدبگیرها خلاص شوید، دیگر دغدغه‌ی دستمزد ندارید. فورد یک کارخانه در گفنی (کارولینای جنوبی) را مثال می‌زند که با کمتر از ۱۵۰ کارگر هر هفته ۱.۱۳ میلیون کیلوگرم نخ بافندگی تولید می‌کند. یک گزارش در نیویورک‌تایمز درباره‌ی این کارخانه گفنی، چنین عنوانی داشت: «کارخانه‌های نساجی آمریکایی برمی‌گردند، اما بخش تولید آن‌ها تقریباً خالی از آدم است».

تا همین بیست سال پیش گوگل وجود نداشت، و تا همین سی سال پیش نمی‌توانست به وجود بیاید، چون وب وجود نداشت. در خاتمه فصل سوم سال ۲۰۱۶، گوگل حدوداً ۵۵۰ میلیارد دلار می‌ارزید و مابین شرکت‌های سهامی عام، رتبه‌ی دوم را از لحاظ ارزش بازار داشت. (رتبه‌ی اول متعلق به اپل بود).

گوگل یک مثال واضح از این است که فناوری‌های جدید چگونه فرصت‌های جدید خلق می‌کنند. دو دانشجوی علوم رایانه در استنفورد به دنبال یک پروژه پژوهشی می‌روند، و نتیجه کارشان ظرف دو دهه بیشتر از تولید ناخالص داخلی کشوری مثل نروژ یا اتریش می‌ارزد. ادامه مطلب در صفحه بعد



روش، یک معاش حداقلی در اختیار بیکاران می‌گذارد و آن‌هایی که کمتر از حد نیازشان کار پیدا می‌کنند هم پول نقدینگی اضافه می‌گیرند.

اما اگر تصور ممانعت از پیشروی ماشین‌های هوشمند غیر واقع بینانه است، احتمالاً تصور سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه نیز همان‌قدر غیر واقع بینانه است. که دوباره بحث به ترامپ کشیده می‌شود. در میانه «دور پیروزی» در ایالت‌های منطقه میدوست، رییس جمهور منتخب یک بار قول داد طلایه‌دار «یک انقلاب صنعتی جدید» شود، بی‌خبر از آنکه این انقلاب هم‌اکنون در جریان است و از قضا دقیقاً اصل مشکل است. آن درد جایگزینی شغل‌ها که او در کارزارش گفت، درست بود؛ ولی راه‌حلی‌هایی که پیشنهاد می‌دهد درست نیستند. این را که این ماجراها به کجا ختم خواهند شد، هیچ‌کس با اطمینان نمی‌داند؛ هیچ‌کس، البته شاید به جز واتسون.



باید به اربابان رایانه‌ای جدید خوشامد بگوییم

اما در عین حال گوگل نشان می‌دهد که در عصر خودکارسازی، چگونه می‌توان ثروت خلق کرد بدون آنکه شغل‌های جدید ساخت. گوگل حدود ۶۰ هزار کارمند دارد. جنرال موتورز که ارزش بازار آن یک‌دهم گوگل است، ۲۵۰ هزار کارمند دارد. تازه این هم جنرال موتورز پس از ساخت واتسون‌هاست. در اواخر دهه ۱۹۷۰، تعداد کارگران این خودروساز بیش از ۸۰۰ هزار نفر بود.

اینکه فناوری چقدر در گسترش شکاف درآمد در ایالات متحده نقش داشته است، محل بحث است. برخی از اقتصاددانان آن را یک عامل در میان سایر عوامل می‌دانند، ولی برخی دیگر آن اگر تصور ممانعت از پیشروی ماشین‌های هوشمند غیر واقع بینانه است، احتمالاً تصور سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه نیز همان‌قدر غیر واقع بینانه است

را عاملی تعیین‌کننده می‌شمارند. به هر حال، این مسیر نامیمون است. فیس‌بوک ۲۷۰ میلیارد دلار می‌ارزد و فقط ۱۳ هزار کارمند دارد. در سال ۲۰۱۴، فیس‌بوک واتس‌آپ را به قیمت ۲۲ میلیارد دلار خرید. در آن برهه، کل تعداد کارکنان این شرکت پیام‌رسان ۵۵ نفر بود. در زمانه‌ای که یک شرکت ۲۲ میلیارد دلاری می‌تواند کل کارکنانش را سوار یک اتوبوس دوطبقه کند، مفهوم نیروی کار مازاد به آخر خط رسیده است.

فورد نگران است که ما به سوی دوره «فئودالیسم فناورانه» می‌رویم. از نظر او، نسخه‌ای از حکومت اشراف ساخته می‌شود که «در اجتماع‌های در بسته یا شهرهای سرآمد، شاید با روبات‌ها و پهپادهای نظامی خودمختار» از بقیه مجزا شده است. در فئودالیسم سابق، رعایا استثمار می‌شدند؛ در این ترتیبات جدید، آن‌ها زائد شده‌اند. به نظر او، بهترین گزینه امیدبخش، شکلی از شبه‌بازنشستگی دسته‌جمعی است. او توصیه می‌کند نوعی درآمد پایه تضمینی برای همه تعیین شود و هزینه آن از مالیات‌هایی تأمین شود که حداقل بخشی از آن از فوق‌ثروتمندان گرفته می‌شود.

تقریباً هرکسی که در این باره می‌نویسد، کمابیش همین دیدگاه را دارد. جری کاپلن پیشنهاد می‌دهد که حکومت فدرال یک حساب شبه‌بازنشستگی برای همه ده‌ساله‌های آمریکایی بسازد. آن‌هایی که بالاخره شغلی پیدا کنند می‌توانند بخشی از درآمدشان را به این حساب واریز کنند؛ آن‌هایی هم که شغلی پیدا نکنند، می‌توانند در عوض اعانه حکومت، کار داوطلبانه بکنند. (اینکه داوطلبان چگونه زندگی‌شان را بگذرانند قدری نامشخص است. کاپلن تلویحاً می‌گوید که شاید آن‌ها بتوانند با سود سهامشان زندگی کنند.) برینجولفسن و مکافی ایده مالیات بر درآمد منفی را ترجیح می‌دهند: این

طولانی ترین ماه گرفتگی قرن (پنجم مرداد ماه ۱۳۹۷ - تهران)

عکس هفته



مخاطبان محترم خبرنامه خواهشمند است ما را از نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود مطلع فرمایید.

با تشکر و سپاس از همراهی شما

■ تهیه و تنظیم:
فرانک امیدی

■ تلفن:
۸۸۶۵۲۵۳۹
۸۸۶۵۲۷۹۸

■ فکس:
۸۸۶۵۳۰۴۲

■ آدرس:
تهران، خیابان گاندی جنوبی، خیابان ۱۹، پلاک ۲۳، واحد ۴

■ وب سایت:
www.iropex.com

■ ایمیل:
info@iropex.ir
omidi@iropex.ir